

کرار کرار

بانر کاوی پیوند امام مہدی (ع) و حضرت عباس (ع)

عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

نویسنده:

محمد رضا فوادیان



تقديم به:

عموی امام زمان علیه السلام

کرانه کرم

قله جود

اوج ایثار

کانون صفا

مهد مرام

تمام وفا

همه مروت

کراۓ کرامت

(بازکاوۓ پیوند امام مهدی علیه السلام با حضرت عباس علیه السلام)

محمد رضا فوادیان



انتشارات مهر محبوب

فؤادیان، محمدرضا، ۱۳۵۱ -

کرانه کرامت (بازکاوی پیوند امام مهدی علیه السلام با حضرت عباس
علیه السلام) / محمدرضا فؤادیان. -- تهران: مهر محبوب، ۱۳۸۳.
۱۲۰ ص. کتابنامه به صورت زیرنویس.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا ISBN 964-95010-4-5

۱. عباس بن علی (ع)، ۲۶ - ۱ - ۶۱ - - فضایل. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم،
۲۵۵ ق. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۳۸۴۲۷۵

BP۴۲/۴/۴۲

۸۳ - ۳۵۵۹۴ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیفا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).

کرانه کرامت

مؤلف: محمدرضا فؤادیان

ناشر: انتشارات مهر محبوب

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: افست‌گرافیک

چاپ و صحافی: فراهم

قیمت: ۹۵۰۰ ریال

ISBN 964-95010-4-5

شابک ۹۶۴ - ۹۵۰۱۰ - ۴ - ۵

تلفن و فکس ۷۵۳۵۵۱۲ - صندوق پستی ۷۵۹ - ۱۳۱۴۵

تهران، خیابان انقلاب، بین یل چوبی و خیابان روشندلان، کوچه توانا، پلاک ۵

فهرست مطالب

سپیده سخن: ۷

فصل اول: شباهت‌ها

- الف. شباهت ظاهری ۱۵
۱. ذخیره و گنجینه ۱۵
۲. جمال و زیبایی ۱۹
- ب. شباهت باطنی ۲۱
۱. توسل و پناه ۲۱
۲. شجاعت ۲۶
۳. عزت ۳۳
۴. عبادت و بندگی ۳۶

فصل دوم: تحلیل‌ها

- الف. زیارت ۴۱
۱. تسلیم ۴۴
۲. تصدیق ۵۱
۳. وفا ۵۳
۴. بصیرت ۵۸
۵. یاری و سرسپردگی ۶۳
۶. معیت ۷۱
۷. خیرخواهی ۷۳
۸. ایثار ۷۷

۸۱ ۹. ادب و خضوع
۸۳ ۱۰. صبر
۸۵ ۱۱. سقا
۸۹ ب. رجز
۹۲ ۱. فدایی
۹۲ ۲. حامی
۹۳ ۳. ساعی
۹۴ ۴. مواسی

فصل سوم: تشریفها

۹۷ امام زمان <small>علیه السلام</small> در حرم حضرت عباس <small>علیه السلام</small>
۹۸ امام زمان <small>علیه السلام</small> در مجلس روضه حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small>
۱۰۳ سفارش امام زمان (عج) به توسل به حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small>
۱۰۴ توسل به ابوالفضل <small>علیه السلام</small> در مسجد مقدس جمکران
۱۰۵ ارزش متوسلین به حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small> نزد امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۰۶ دیدار با امام زمان <small>علیه السلام</small> در مجلس روضه حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small>
۱۰۹ امام زمان <small>علیه السلام</small> در خیمه عزای عباس <small>علیه السلام</small>
۱۱۳ امام زمان <small>علیه السلام</small> و طریقه توسل به حضرت عباس <small>علیه السلام</small>
۱۱۴ حضرت عباس <small>علیه السلام</small> فرمود: بگو یا صاحب الزمان!
۱۱۵ امام مهدی <small>علیه السلام</small> و غیرت عباسیه

«خاتمه»

۱۱۷ ۱. رجعت
۱۱۹ ۲. توسل

سپیده سخن:

عشاق چون به درگه معشوق رو کنند از آب دیدگان، تن خود شستشو کنند
قربان عاشقی، که شهیدان کوی عشق در روز حشر، رتبه او آرزو کنند
عباس نامدار، که شاهان روزگار از خاک کوی او، طلب آبرو کنند
میر آب بود و لب تشنه جان سپرد می خواست آب کوثرش اندر گلو کنند
بی دست ماندوداد خدا، دست خود به او آنان که منکرند، بگو روبه رو کنند
گردست او نه دست خدایی است، پس چرا؟ از شاه تا گدا، همه روی سوی او کنند
درگاه او چو قبله ارباب حاجت است باب الحوائجش، همه جا گفتگو کنند
وقتی «شجاعت»، «رشادت»، «مشک»، «دست بریده»، «وفا»،

«صفا» و... را می شنوید نام چه دلاوری به ذهن شما می آید؟

قمر بنی هاشم علیه السلام نام و نشانی است که همه آن را بارها به زبان آورده اند و کسی نیست که «حضرت عباس» را شخصیتی ناآشنا در تاریخ پندارد. اما حقیقت، مطلبی دیگر است متأسفانه تمام زوایای زندگانی ایشان خوب شکافته نشده و تألیفات زیادی در این باره نداریم. و اگر بارگاه ملکوتی ایشان نیز مجزا نبود، مطالب کمتری نیز

نصیبمان می شد زیرا «احتمالاً یکی از علل جدایی بارگای حسین علیه السلام و عباس علیه السلام از همدیگر این است که خداوند اراده نموده که بارگاه او نیز جداگانه محط رحمت الهی و مظهر کرامات غیبی و منار انوار حقیقی و مجلای تجلیات عوالم قدسی گردد و اگر از سایر شهدا جدایش نمی کرد، مردم عاشق و شیفته دل، عظمت و قداست مقام او و تقریش را به معشوق بی همتا آن گونه که باید و شاید نمی شناختند.»^۱

این نوشتار سعی به بیان جلوه‌هایی از پیوند یوسف زهرا علیها السلام امام زمان علیه السلام با قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل علیه السلام دارد، اگر چه از جهت تتبع و تحقیق کار ناقصی است، اما چون متعلق به آن بزرگواران است با ارزش بوده و گاهی یک اثر کوچک، آثار بزرگ به همراه دارد.

شهید مطهری در این خصوص می فرماید: «متأسفانه تاریخ از زندگی آن بزرگوار اطلاعات زیادی نشان نداده، یعنی اگر کسی بخواهد کتابی در مورد زندگی ایشان بنویسد، مطلب زیادی پیدا نمی کند، ولی مطلب زیاد به چه درد می خورد، گاهی یک زندگی یک روزه یا دو روزه یا پنج روزه یک نفر که ممکن است شرح آن بیش از ۵۰ صفحه نباشد، آنچنان درخشان است که امکان دارد به اندازه دهها کتاب ارزش آن شخص را ثابت کند، و جناب ابوالفضل العباس علیه السلام

۱. قهرمان علقمه، دکتر احمد بهشتی، انتشارات اطلاعات، ص ۲۰۷ و قریب به همین تعبیر و مضامین و محتوا را در کتاب زندگانی قمر بنی هاشم، ص ۲۰۴، سردار کربلا، ص ۲۹۲، سقای کربلا، ص ۱۳۶ و ۱۳۷ ملاحظه فرمایید.

چنین شخصی بود.»^۱

در حقیقت معرفت به این خاندان، رمز حیات و هویت انسان هاست. زیرا شناخت اولیاء دین، گوهر گران بهایی است که دارندۀ آن سعادت مند دنیا و آخرت است و نشناختن امام زمان در هر عصری ره آوردی جز شقاوت ندارد؛ زیرا «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً الْجَاهِلِيَّةِ؛ هر کس امام زمانش را شناخت / علاوه بر زندگی جاهلی / به مرگ جاهلیت می میرد».^۲

و هنگامی که هنگامه قیامت فرا رسد و هر کس را به سوی امام زمانش فرا خوانند ﴿وَيَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾^۳ بی معرفت آن کوی ائمه علیهم السلام، همان طوری که در دنیا گرفتار «امام نار» بوده، آشفته و مضطرب، اسیر «امام نار» می شوند.

در این راستا علاوه بر معرفت چهارده نور پاک - که صاحب عصمت و ولایت هستند - شناخت و علم و آگاهی به مقام حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نیز لازم و ضروری است.

ششمین پیشوای حق حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در زیارت دلاور علقمه علیه السلام می فرماید:

۱. رک مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۷. (حماسه حسینی)

۲. علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۶ - ۹۳ بابتی را با همین عنوان قرار داده و چهل حدیث را به همین مضمون از فریقین نقل کرده است.

۳. اسراء - ۷۱.

«لَعْنَةُ اللَّهِ مَنْ جَهَلَ حَقَّكَ وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ»^۱؛ خدا لعنت کند، کسی را که حق تو

را نشناسد و مقام تو را سبک بشمارد.

چرا کسی که جاهل به حق شهید علقمه علیه السلام باشد، ملعون ایزدی است؟ چرا شخصی که امام زمانش را نشناسد، زندگی و مرگ جاهلی دارد؟ چرا معرفت این خاندان علیهم السلام لازم و ضروری است؟

زیرا نشناختن این بزرگواران سبب می شود که انسان از مسیر هدایت منحرف شود. و انحراف در دین موجب شقاوت و نگون بختی می شود. لذا توصیه به خواندن دعای معرفت فرموده اند، و یکی از وظایف انسانها در عصر غیبت ترنم این دعا است:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ظَلَلْتُ عَنْ دِينِي»^۲

؛ پروردگارا! حجت خودت را به من بشناس، چرا که اگر او را نشناسم گمراه می شوم

همان طوری که با نشناختن امام زمانشان؛ و کشتن امام حسین علیه السلام، مردم کوفه دچار خذلان و بدبختی دنیا و آخرت شدند، و تکبیر و تهلیل را سر بریدند،^۳ همان طور هم با نشناختن مقام شامخ طلایه دار سپاه امام حسین علیه السلام حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام به قعر گودال نگون

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۰۸؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، باب فی الغیبة.

۳. امام زمان در زیارت ناحیه مقدسه می فرماید: «لقد قتلوا بقتلک الاسلام، و عطلوا

الصلاة والصیام... وفقد بفقدک التکبیر والتهلیل والتحریم والتحلیل والتنزیل

والتأویل...؛ با کشتنت، اسلام را کشتند و نماز و روزه را بیهوده و مهمل گذاردند... با رفتن

تو، تکبیر و تهلیل و تحریم و تحلیل و تنزیل و تأویل از میان رفت...». بحار الانوار، ج ۱۰۱،

ص ۳۲۰.

بختی، نگون سار شده و اسلام را سر بریدند. لذا در زیارت حضرت عباس علیه السلام عرضه می‌داریم:

«لَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ وَانْتَهَكَتْ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ»^۱

خدا لعنت کند مردمی را که حرامهای الهی را در حق تو حلال شمردند و با کشتن تو، حرمت و هیبت دین اسلام را پایمال کردند.

با توجه به اینکه این جمله، درباره هیچ یک از یاران امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا بیان نشده است، روشن می‌شود که معرفت به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام تا چه حد و اندازه از اهمیت برخوردار است و نشناختن مقام و حقش، موجب دور شدن از رحمت الهی است.

بنابراین، امیدوارم «کرانه کرامت» گامی بهتر در مسیر شناخت و انجام وظایف نسبت به امام مهدی علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام باشد. و از تمام عزیزانی که در چاپ این اثر ما را یاری نمودند، صمیمانه تشکر نموده و اجر همه آنان با آقا ابوالفضل علیه السلام و آقا بقیه الله علیه السلام باشد.

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۰۸؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام و در زیارت ایشان در روز عرفه نیز عرضه می‌داریم: «لَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ وَانْتَهَكَتْ فِي قَتْلِكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ».

فصل اول:

شکافتها

الف. شباهت ظاهری

در این عالم، به جهت نظمی که خداوند متعال در آن قرار داده است، بین همه اجزاء و افراد عالم، ارتباط و پیوند تنگاتنگی وجود دارد، در این رابطه اساسی ترین پیوند برای اهل البیت علیهم السلام با تمام هستی از ابتدا خلقت تا پایان تاریخ است و در میان این پیوند، ارتباط امام مهدی علیه السلام بسیار چشمگیر و دقیق است. از آدم علیه السلام تا خاتم صلوات الله علیه و از علی علیه السلام تا مهدی علیه السلام، چشم انتظار دولت او علیه السلام هستند. و در تمام دوران سرنوشت ساز تاریخ، سخن از منجی موعود ما بوده است. گویا رجعت و حضور برگزیدگان ادوار تاریخ در دولت کریمه او علیه السلام، بی ارتباط با این پیوند نباشد!

در این راستا، به نمونه‌هایی از شباهت‌های ظاهری با وفاترین یار امام حسین علیه السلام و نهمین فرزند امام حسین علیه السلام تقدیم می‌شود:

۱. ذخیره و گنجینه

هنگامی که سقیفه مدار خلافت و هدایت را تغییر داد، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام برای هدایت انسانها، دست به نیرو سازی و

ذخیره اندوزی نمود، تا روزی که فتنه سقیفه نمایان شود، با کمک یارانش چشم فتنه را کور و فرزند دلاورش کمر فتنه را بشکند.

بعد از شهادت پیامبر مکرم اسلام ﷺ، امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام به صورت ظاهر از میدان سیاست دور و در مزارع مشغول کار بود، اما در حقیقت این کارها، سرپوشی برای فعالیت‌های پنهانی امام علی علیه السلام بود، تا حکومت غاصبانه، بویی از اقدامات زیر بنایی او علیه السلام نبرد، و در همین دوران شاهد تربیت یارانی چون مالک اشتر نخعی رضی الله عنه هستیم که در روز رویارویی حق و باطل، بازوان پرتوان حق و عدالت است.

بعد از شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام به برادرش عقیل فرمود:

برای من بانویی اختیار کن، تا از او فرزندان شجاع و دلیری نصیب شوند.

عقیل نیز از بلندای علم انساب، انگشت اشاره بر ام البنین علیها السلام نهاد، و حضرت علی علیه السلام با او ازدواج نمود. ^۱ تا در روز رویارویی عظیم حق و باطل، فرزندانش یار و یاور هم باشند، و مسیر هدایت را تا ابد زنده و روشن بدارند.

در حقیقت امام علی علیه السلام، فرزند دلبندهش را ذخیره برای واقعه کربلا گذاشت و نام بلندش را «عباس» نهاد.

۱. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۸۹، تاریخ ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۵۸، فرسان الهیجاء، ج ۱، ص ۱۸۷.

صاحب معالی السبطین می‌نویسد:

«وَسَمَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بِالْعَبَّاسِ لِعِلْمِهِ بِشُجَاعَتِهِ وَ سَطُوتِهِ وَ صَوْلَتِهِ وَ
عُبُوسَتِهِ فِي قِتَالِ الْأَعْدَاءِ؛^۱

امیر مؤمنان علی عَلِيٍّ، او را از این رو عباس نامید که به شجاعت، شکوه، صولت و خشم او در پیکار با دشمنان آگاهی داشت.

و با به آغوش گرفتن و بوسیدن بازوان این کودک، رضایت‌مندی خود را نسبت به ذخیره و گنجینه پر بهاء و ارزشمند خود، اعلام می‌فرمود. وقتی که امیر مؤمنان حضرت علی عَلِيٍّ، فرزندش، عباس را در آغوش می‌گرفت و با گریه، دستان عباس را می‌بوسید، ام‌البنین عَلِيَّة مضطربانه، حکمتش را جویا شد. امیر مؤمنان حضرت علی عَلِيٍّ پرده از این رمز و راز برداشت و او را از مشیت الهی باخبر ساخت، که دستان این فرزند، در راه یاری حسین عَلِيٍّ قطع خواهد شد و در عوض در بهشت، دو بال به او عنایت خواهد شد.^۲

صاحب معالی السبطین در این خصوص می‌نویسد:

قَدْ دَخَرَهُ أَبُوهُ لِيَنْصُرَ وَ لَدَهُ الْحُسَيْنُ عَلِيٍّ بِنَفْسِهِ وَ يُؤَاسِيهِ؛

پدرش او را ذخیره کرده بود، تا برادرش حسین عَلِيٍّ را با جان و دل یاری کند^۳

علاوه بر عاشورا، غیبت نیز در علم الهی مقدر بود، اگر یادگار علی

۱. معالی السبطین، ج ۱، ص ۴۳۷

۲. خصائص العباسیه، ص ۱۱۹ العباس، سید عبد الرزاق مفرم، ص ۷۵ و ترجمه آن سردار

کربلا، ص ۱۶۴، سقای کربلا، ص ۹۲، پرچمدار نینوا، ص ۲۷.

۳. معالی السبطین، ج ۱، ص ۴۳۸.

مرتضی علیه السلام / حضرت عباس / ذخیره برای واقعه طف بود، دیگر فرزند و یادگار مرتضی علیه السلام؛ امام زمان علیه السلام ^۱ هم گنجینه و ذخیره الهی برای یاری رساندن دین و عزت مؤمنین است. لذا در زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام این چنین اعتراف می‌کنیم:

ذَخَرَكَ اللَّهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِنْتِقَامِ مِنَ
الْبَاجِدِينَ وَالْمَارِقِينَ ^۲

خداوند، شما را برای یاری دین و عزیز کردن مؤمنین و انتقام از منکرین و دشمنان سرکش ذخیره کرده است.

و به هنگام عرض ادب، به محضر مولی و امام زمان علیه السلام عرضه می‌داریم:

السَّلَامُ عَلَى الْمُدَّخَرِ لِكِرَامَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَبَوَارِ أَعْدَائِهِ؛ ^۳
سلام بر ذخیره الهی برای گرامی داشتن اولیاء خدا و نابودی دشمنان او.

و عاشقان حضرتش در پگاه هر جمعه، در فراق این ذخیره الهی ندبه سر داده و عرضه می‌دارند:

«أَيْنَ الْمُدَّخَرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ»؛ ^۴

۱. در دو بیست و چهارده روایت آمده است که امام مهدی علیه السلام دهمین فرزند حضرت علی علیه السلام است. رک: منتخب الاثر، ص ۲۴۷، او خواهد آمد، ص ۱۲۱.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۸۶۹ زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

۳. همان.

۴. دعای ندبه.

ذخیره خدا برای تجدید فرایض و سنتها کجاست؟

۲. جمال و زیبایی

یکی از القاب درخشان، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام «قمر بنی هاشم» است. این لقب را به جهت زیبایی رخسار و چهره دل آرا و دلربا به او علیه السلام داده و در دوران حیات نورانی اش^۱ و بعد از آن ملقب به این لقب بوده و هستند.

چه بسیار زیبا که این لقب از لبان مبارک سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام هم شنیده شده است؛ هنگامی که قافله عصمت و طهارت از مدینه به سوی مکه رهسپار بود، و تمام کاروانیان سوار بر محمل‌ها شده بودند، امام حسین علیه السلام فرمود:

أَيْنَ أَخِي؟ أَيْنَ كَبُشْ كَتَيْبَتِي؟ أَيْنَ قَمَرُ بَنِي هَاشِمٍ؟

برادرم، سردار قافله، ماه بنی هاشم کجاست؟

حضرت عباس علیه السلام هم پاسخ داد: «لبیک، لبیک یا سیدی»^۲

ای روی تو ماه آل هاشم ای پشت و پناه آل هاشم

بر شمس جمال بی مثالت پیوسته نگاه آل هاشم

سیمای مبارک یوسف زهرا علیه السلام؛ امام زمان علیه السلام هم مانند ماه شب

چهارده، درخشان و نورانی است. امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام هم

۱. معالی السبطین، ج ۱، ص ۲۷۱ «وكان يُلقب في زمان حيوته بقمر بنی هاشم».

۲. همان، ص ۲۲۰.

رخسار و چهره دل گشای فرزند بزرگوارش امام مهدی علیه السلام این گونه برای ما توصیف فرمودند:

وَجْهُهُ بَيْنَ أَصْبَحَةِ الْأَقَالِمِ كَالْقَمَرِ الْمُضِيِّ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ
الدُّرِّيَّةِ؛^۱

چهره‌اش، میان گشاده رویان عالم، مانند ماه نورانی در بین

ستارگان درخشان است

این جمال و زیبایی ظاهری زمانی نیکو است که با زیبایی‌های باطنی هماهنگی داشته باشد. در حقیقت زیبایی به تناسب ظاهر و باطن؛ صورت و سیرت گفته می‌شود. لذا دامن سخن را از امور ظاهری برمی‌چینیم و به شباهت‌های باطنی و زیبایی‌های آن اشاراتی می‌نماییم.

۱. الملاحم والفتن، ص ۱۳۶، درباره توصیف سیمای امام مهدی علیه السلام مقاله بسیار زیبایی در فصلنامه انتظار، ش ۵، ص ۱۵۱ با عنوان «جمال یار» از محقق توانا جناب آقای جواد جعفری آمده است.

ب. شباهت باطنی

تمام فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام و امام علی علیه السلام و مقربین آنها به جهت اتحاد و پیوند در حسب و نسب، در سیره و روش، شباهت‌هایی دارند، در این بین شباهت‌های سیرتی، امام مهدی علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام قابل دقت است:

۱. توسل و پناه

یکی از جلوه‌های مشترک غوث اعظم امام زمان علیه السلام و باب الحوائج حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام مقام جهانی در رابطه شناخت، توسل و پناه دادن آنان است. همه اقوام جهان از شیعه و سنی و غیر مسلمان، دین دار و بی دین، یهودی و نصرانی، موحد و غیر موحد، متوسل به عنایات امام عصر علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌شوند.

از القاب مبارک یوسف مصرِ وفا؛ حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام: «ابوفرَج» یعنی گشاینده، رهاکننده از مصائب، «المستجار» به معنای پناهگاه و «مستعجل»^۱ است. یعنی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در انجام حاجات مراجعین، نهایت عجله را مبذول می‌فرمایند و بسیار

۱. رک زندگی حضرت ابوالفضل، بدرالدین نصیری و پرچمدار نینوا، محمد محمدی اشتهاردی.

دوست دارند که تقاضای افراد هرچه زودتر به نتیجه برسد. در عرف عوام هم این مسئله جایگاه خاصی دارد و می‌گویند: عباس طاقت ندارد که کسی دست خالی برگردد، به همین دلیل، مراجعین به بارگاه او بسیار زیاد هستند و در کتاب ارزشمند «چهره درخشان قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام»، حکایات فراوان و بسیار ارزنده‌ای در خصوص عنایات به غیر مسلمانان آمده است.

نمونه زیر یکی از هزاران حکایات واقعی و حقیقی در این خصوص است:

مرحوم دانشمند محقق آقای شیخ محمدباقر ملبوبی می‌گوید:
 «مداح مخلصی می‌گفت: در تهران سوار تاکسی شده تا به مجلس سوگواری بروم. وقتی به مقصد رسیدم راننده تاکسی، کرایه نگرفت. علت را پرسیدم، گفت: من عهد کرده‌ام از خدمت‌گزاران حضرت عباس علیه السلام کرایه نگیرم. گفتم: چرا؟

گفت: به خاطر لطفی که حضرت عباس علیه السلام به من کرده است؛ من مسیحی هستم. سالها از ازدواجم می‌گذشت و صاحب فرزندی نشدم. معالجات هم بی‌فایده بود. به حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مریم علیهما السلام متوسل شدم، نتیجه نگرفتم بر اثر معاشرت با رانندگان مسلمان، نام عباس علیه السلام را زیاد شنیده بودم که در درگاه خداوند بسیار آبرو دارد، به خدا توجه نموده و عرض کردم: خدایا! عباس علیه السلام را در

درگاهت واسطه قرار می‌دهم. به حق آن حضرت، حاجتم را روا کن. طولی نکشید، دارای فرزند شدم، و از آن زمان تا کنون با خدا عهد بسته‌ام که از خادمان و مداحان حضرت عباس علیه السلام کرایه نگیرم.^۱ اینجانب که سفرهای متعددی در جمع اهل سنت داشته‌ام، بارها عظمت مقام حضرت عباس علیه السلام و قسم و توسل به او را در میان آنان مشاهده نموده‌ام.

گفتنی است: یکی از بهترین راههای توسل به باب الحوائج قمر بنی‌هاشم علیه السلام که بسیار مجرب است، گفتن ۱۳۳ مرتبه «یا کاشفِ الكربِ عَنْ وَجْهِ الْحُسَيْنِ، اِكْشِفْ كَرْبِي بِحَقِّ اَخِيكَ الْحُسَيْنِ»^۲ بعد از نماز روز جمعه است. که انشاءالله حاجتش بر آورده می‌شود.^۳

همچنین یکی از القاب مقدس کعبه مقصود و قبله موعود، یوسف زهرا علیها السلام امام زمان علیه السلام نیز: «کهف» به معنای پناهگاه است. او ملجاء و مأمن بی پناهان، دردمندان و گرفتاران عالم هستی است، لذا در زیارتش عرضه می‌داریم:

سَلَامُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ عَلٰى مَوْلَاىِ

۱. الوقایع والحوادث، ج ۳، ص ۲۹، پرچمدار نینوا، ص ۲۳۵.

۲. ای کسی که اندوه را از چهره حسین علیه السلام بر طرف ساختی، اندوه مرا به حق برادرت حسین علیه السلام بر طرف ساز.

۳. واژه عباس به حساب ابجد معادل عدد ۱۳۳ است. زندگانی حضرت ابوالفضل علیه السلام، عطایی خراسانی، ص ۳۱، پرچمدار نینوا، ص ۶۵.

صاحب الزمان... وَالْكَهْفُ^۱

درود و سلام و برکات و تحیات خداوند متعال بر مولایم امام زمان
و پناه عالمیان.

امام باقر علیه السلام نیز درباره یکی از ویژگی های امام مهدی علیه السلام
می فرمایند:

أَوْسَعَكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرَكُمْ عِلْمًا وَ أَوْسَعَكُمْ رَحْمًا^۲

مهدی از همه شما، مردمان را بیشتر پناه می دهد و از همه شما
علمش افزون تر و رحمت و لطفش از همه فراگیرتر است.

یکی دیگر از القاب خاصه آن حضرت «غوث» به معنای فریاد رس
است و در زیارت آل یس عرضه می داریم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ
وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَأْسَعَةُ

درود بر تو ای پرچم برافراشته و دانش ریزان و دادرس و رحمت
واسعه حق.

امام مهدی علیه السلام امروزه امیر عالم هستی و فریاد رس تمام بی پناهان
و «مُفَرِّجُ الْكُرْبِ» یعنی گشاینده رنج ها و «مُزِيلُ الْهَمِّ» یعنی زداینده غم و
«كَاشِفُ الْبَلْوَى» یعنی برطرف کننده بلاهاست لذا شاهد توسل تمام
انسانها (مسلمان و غیر مسلمان) به او هستیم. برای روشن شدن این

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۴.

۲. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۷۵.

مهم نمونه هایی ذکر می کنیم.

□ سرخ پوستان سه قبیله از قبائل داکوتای شمالی و منطقه قطب، در هنگام نیاز و نیز گم کردن راه در یخ‌های قطبی و جنگل، از فردی به نام «مهدی» کمک می طلبند که تا این اواخر از ارتباط این نام با اسلام و یا اصولاً با مکتب اسلام نیز اطلاعی نداشتند پس از اطلاع از این موضوع، تعدادی از دانشجویان سرخ پوست به اسلام گرویدند.

توضیح خبرنامه: زبان‌شناسان و محققان زبان‌های بومی آمریکای شمالی کشف کرده‌اند که ریشه «مهد» و «مهدی» در زبان‌های بومی اولیه، در کشورهای شمالی و جنوبی آمریکا، از جنبه بسیار مذهبی و اسرارآمیزی برخوردار است.^۱

□ طبق معمول در روز سه شنبه مورخه ۲۵/۱۲/۷۶ در غرفه نذورات مشغول کار بودم که خانمی اهل تهران مراجعه نمود و مبلغ ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال را تقدیم نذورات کرد و درخواست قبض نمود. در موقع نوشتن اسم، نام و فامیل شخصی را بنام ویلهم بلهم را بردند که به نظر من ارمنی بود سؤال کردم خانم شما شیعه هستید در حالی که این نام ارمنی می باشد، گفت: بله این نام ارمنی است و همسایه ما می باشد که در تهران هستند و جریان چنین است:

۱. خبرنامه فرهنگی اجتماعی سازمان تبلیغات اسلامی، شماره منبع: ۱۳ خرداد ۱۳۶۶، ص ۶ (به نقل از صبح امید، صدرالدین هاشمی دانا، ص ۱۲۶).

من ساکن تهران می باشم و نامبرده چند روز قبل مرا دیدند و گفتند که: مدتی است گرفتاری دارم انجام نمی شود شما شیعه ها راهی برای برآورده شدن حاجات خودتان دارید مرا هم راهنمایی کنید.

من به ایشان گفتم شما برای آقا امام زمان علیه السلام نذری بنمائید و از آقا بخواهید مشکل شما را حل می کند.

فردای همان روز نامبرده به من مراجعه کرد و اظهار داشت:

روز گذشته که از آقای شما تقاضا نمودم مشکلم با بهترین وجه حل شد، این مبلغ ده هزار تومان را ببرید مسجد جمکران به جهت این که من نمی توانم به مسجد بروم شما از طرف من پرداخت نمایید.^۱

۲. شجاعت

قهرمان علقمه فرزند «لَأَقْتَىِ الْإَعْلَىِ وَلَا سَيْفَ إِذْ ذُوالْفَقَارِ» است، فرزند فاتح خیبر، بدر و حنین است. فرزند امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره شجاعت حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«یا علی اگر تمام مردم شرق و غرب عالم به جنگ تو آیند، تو ان

جنگیدن با همه آنان را داری»^۲

اصولاً فلسفه ازدواج مولی الموحدين علیه السلام با ام البنین علیها السلام نیز به

۱. دفتر ثبت کرامات مسجد مقدس جمکران، تاریخ وقوع: ۱۳۷۶/۱۲/۲۵، تاریخ ثبت:

۷۸/۲/۳۱. (به نقل از میر مهر، ص ۸۰)

۲. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸، خصائص العباسیة، ص ۷۳.

جهت تحصیل و شکوفایی فرزندان شجاع^۱ مانند فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بوده است. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «آرزوی علی علیه السلام در ازدواج با ام البنین در وجود مقدس حضرت ابوالفضل علیه السلام تحقق یافت چون حضرت عباس مردی شجاع، دلاور و بلند قامت بود. وقتی سوار بر اسب می‌شد، پاهایش بر زمین کشیده می‌شد»^۲ و سیره نویسان در مورد چالاکی و عظمت شجاعت او می‌نویسند:

وَ كَانَ الْعَبَّاسُ رَجُلًا وَسِيمًا جَمِيلًا يَرْكَبُ الْفَرَسَ الْمُطَهَّمَّ وَ رِجْلَاهُ يَخُطَّانِ فِي الْأَرْضِ^۳

عباس مرد زیبا و خوش سیما و تنومند بود که وقتی سوار بر اسب قوی و بلند می‌شد، پاهایش به زمین کشیده می‌شد.

صاحب معالی السبطين درباره شجاعت او علیه السلام می‌نویسد:

لَا يُقَاسُ بِشُجَاعَتِهِ إِلَّا شُجَاعَةُ أَبِيهِ وَ أَخِيهِ^۴

شجاعت عباس علیه السلام تنها با شجاعت پدرش امام علی علیه السلام و برادرش امام حسین علیه السلام قابل قیاس است.

حمید بن مسلم درباره گوشه‌ای از شجاعت امام حسین علیه السلام

۱. سفینه البحار، ج ۱ ص ۶۹۰

۲. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۵۹ و ج ۲، ص ۱۱۸

۳. مقاتل الطالبین، ص ۳۳؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۹؛ نفس المهموم، ص ۱۵۴

۴. معالی السبطين، ج ۲، ص ۲۶۷

می گوید: «حسین را در هنگام درگیری شدید با دشمن دیدم، سوگند به خدا! هرگز مرد گرفتار و مصیبت دیده‌ای را ندیده بودم که فرزندان خاندان و یارانش را کشته باشند، ولی با این همه، دل دارتر و استوارتر و قوی دل‌تر از آن بزرگوار باشد. وقتی پیادگان به او حمله می‌کردند، او با شمشیر به آنها حمله می‌کرد و آنها از راست و چپ می‌گریختند مثل گله روباهی که از شیر فرار می‌کند.»^۱

در مورد حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام هم آورده‌اند: «وقتی در روز عاشورا وارد میدان جنگ شد، چنان جنگید که اکثر لشکریان با دیدن این شجاعت و شهامت، پشت به صحنه جنگ نموده و پا به فرار گذاشتند.»^۲

خلاصه در عظمت قدرت و شجاعت شهید علقمه علیه السلام اکثر مورخین نوشته‌اند:

كَالْجَبَلِ الْعَظِيمِ وَ قَلْبُهُ كَالطَّوْدِ الْجَسِيمِ لِأَنَّهُ كَانَ فَارِسًا هَمَامًا وَ بَطَلًا ضَرْغَامًا
وَ كَانَ جَسُورًا عَلَى الطَّغْنِ وَ الضَّرْبِ فِي الْمِيدَانِ الْكِفَاحِ وَ الْحَرْبِ^۳

او چون کوهی بزرگ و دارای قلبی سترگ بود و جنگ جویی شجاع و بلند همت و سلحشوری بی‌مانند و بی‌باک بود، در وارد کردن نیزه در میدان جنگ و نبرد همتایی نداشت. صفحات تاریخ نیز، عظمت شجاعت او علیه السلام را ضبط کرده که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌نماییم:

۱. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲. ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۴۴.

۳. منتخب طریحی، ص ۳۱۲، چهره درخشان قمر بنی هاشم، ص ۱۳۸.

□ در نبرد صفین، عباس علیه السلام به عنوان یک رزمنده ناشناس در حالی که نقاب بر چهره داشت وارد میدان شد. سپاه شام دریافت جوانی شجاع و پر جرأت به رزم آمده است. معاویه و سران نظامی لشکرش مشورت کردند و به ابوشعثاء گفتند: برو و با او جنگ کن. ابوشعثاء گفت: ای امیر! من هفت پسر دلاور دارم، یکی را به جنگ با او می فرستم. اولین فرزند ابوشعثاء در فرصت کوتاهی به درک واصل شد. برادرها یکی به یکی به جنگ با عباس علیه السلام رفته و با ضربات ابوالفضل العباس علیه السلام روانه دوزخ شدند. ابوشعثاء که داغ هفت پسر بر دلش سنگینی می کرد، وارد معرکه شد، او نیز به پسرانش ملحق شد. صدای تکبیر سپاه امام علی علیه السلام فضا را پر کرده بود. عباس علیه السلام به آرامی برگشت، امیرمؤمنان به استقبالش رفت، نقاب را از چهره او برداشته و پیشانیش را غرق بوسه نمود. و همگان دیدند که این دلاور، عباس علیه السلام است.^۱

□ او علیه السلام در کربلا با وجود محافظان بسیار، چندین بار آب را به خيام رسانید.^۲

□ در روز عاشورا برخی از یاران سیدالشهداء (عمرو بن خالد صیداوی و غلامش، سعد، جابر بن حارث سلمانی و مجمع عائذی)

۱. معالی السبطين، ج ۱، ص ۴۳۸، الکبريت الاحمر، ج ۳، ص ۲۴، سردار کربلا، ص ۲۷۷، سقای کربلا، ص ۵۰، پرچمدار نینوا، ص ۹۴.

۲. ارشاد، ج ۲، ص ۸۹، تاریخ طبرسی، ج ۶، ص ۲۳۴، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۸، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۲۷۸، پرچمدار نینوا، ص ۱۲۳-۱۲۶.

به طور دسته جمعی به قلب سپاه دشمن حمله ور شدند که دشمنان آنها را محاصره کردند. و این عباس علیه السلام است که با حمله به کانون خطر، آنها را نجات داد.^۱

□ او علیه السلام قهرمان بی بدیل و نیزه زن معروف «مارد بن صدیف تغلبی» در حالی که جمعی برای کمک و نجات به او به میدان آمده بودند، او را با نیزه خودش به زمین دوخته و به هلاکت رسانید.^۲

□ رشادت و شجاعت او علیه السلام آن گونه است که دشمنان را به تعجب واداشت؛ هنگامی که وسائل کاروان حسینی را به غارت نزد یزید ملعون بردند در میان آنها، پرچم سیاه حسینی در حالی که بدنه پر از سوراخ ولی دستگیره آن سالم بود، وجود داشت. یزید ملعون از روی تعجب و حیرت سه بار برخاست و نشست و گفت: سالم ماندن دستگیره نشان می دهد که پرچمدار، تیرها و ضربه ها را تحمل کرده و دست از حفظ پرچم برنداشته است.^۳

□ لذا مادر این پهلوان ام البنین علیها السلام وقتی خبر شهادت فرزندش را می شنود، می گوید: «اگر دست در بدن داشتی و شمشیر در دست بود، هیچ کس جرأت نزدیک شدن به تو را نداشت».^۴

و در مورد عظمت شجاعت و قدرت آخرین خلیفه الهی امام

۱. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۴، مقاتل الطالبین، ص ۸۲، اخبار الطوال، ص ۳۳۰.

۲. سوگنامه آل محمد صلی الله علیه و آله، ص ۳۰۳.

۳. همان، ص ۲۹۹، پرچمدار نینوا، ص ۸۱.

۴. پرچمدار نینوا، ص ۹۶.

مهدی علیه السلام هم روایت بسیار ژرفی از امام علی علیه السلام بیان شده است. شخصی به خدمت امیرمؤمنان علیه السلام شرفیاب شده، عرضه داشت: از مهدی خود برای من سخن بگوئید. حضرت علیه السلام فرمود:

از بنی هاشم، از برترین نژاد عرب. از قلّه شرف، و از اقیانوس بی‌کرانه که همه نهرهای فضیلت به سوی آن سرازیر است. پناه همه پناهندگان، کانون صفا، هنگامی که همه بی‌صفا شوند. چون مرگ چنگ و دندان نشان دهد، او هراسی به دل راه ندهد. هنگامی که عرصه نبرد تنگ‌تر شود، ضعف و زبونی نشان ندهد. وقتی قهرمانها وارد میدان شوند، او عقب‌نشینی نکند. همواره آماده نبرد، همیشه پیروز، دشمن شکن، شیربیشه شجاعت، دروکننده ریشه ستمگران، ویرانگر کاخهای ظلم و استبداد، قهرمانی شجاع و بزرگوار، شمشیر برنده‌ای از شمشیرهای خداوند، دست بخشنده خداوندی، اوج قلّه شرف انسانی، که در اعماق اصیل‌ترین فضیلتها ریشه دوانیده... آستانه‌اش از همه وسیع‌تر، دانشش از همه افزون‌تر... آنگاه امام علی علیه السلام با دست مبارکش به طرف سینه‌اش اشاره کرد و فرمود: آه چقدر مشتاق او هستم.»^۱

اصلاً باید گفت: اگر در طول تاریخ رشادت، شهامت و شجاعتی سراغ دارید، او علیه السلام صاحب آنهاست، زیرا تمام میراث انبیاء و

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵، بشارة الاسلام، ص ۵۲، یاد مهدی، ص ۱۰۲.

اولیاء علیهم السلام نزد اوست. و در روایت بسیار تابناکی از هشتمین پیشوا امام رضا علیه السلام جلوه‌ای از این حقیقت بیان شده است:

«ریان بن صلت» می‌گوید: به خدمت امام رضا علیه السلام عرض

کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

من صاحب این امر هستم، ولی من کسی نیستم که زمین را پر از عدل و داد کنم، آنچنانکه پر از جور و ظلم و ستم شده باشد، من چگونه با این ضعفی که در بدن من می‌بینی، می‌توانم او باشم؟ قائم علیه السلام کسی است که چون خارج شود در سن پیرمردان و در سیمای جوانان باشد، آن قدر بدنش نیرومند است که اگر دست مبارکش را به طرف بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آن را از ریشه بکند، اگر در میان کوهها بانگ بر آورد، صخره‌های آن فرو ریزد. عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام با او خواهد بود. او چهارمین فرزند منست خداوند او را تا هنگامی که بخواهد در پشت پرده غیبت نگه می‌دارد. آنگاه ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد. گویی با چشم خود می‌بینم در حالی که مردمان به یأس و نومیدی دچار شده‌اند، ندای آسمانی را می‌شنوند که این ندا از مسافت دور همچون فاصله‌ای نزدیک شنیده می‌شود. او برای مؤمنان رحمت و

برای کافران تازیانه عذاب خواهد بود.^۱

با توجه به اینکه در کلام معصوم علیه السلام، مبالغه و تعارف به کار نمی‌رود؛ این حدیث عظمت قدرت جسمی و شجاعت روحی حضرت بقیه الله ارواحنا فداء را بسیار شیوا ترسیم نموده است. آری. بار دیگر، قدرت و شجاعت و خاطرات شیرین امیر مؤمنان و فرزندانش علیهم السلام را زنده خواهد کرد و شجاعت حیدری را در فتح خبیر و قتل عمرو بن عبدود و حماسه آفرینان عاشورا را به نمایش خواهد گذاشت به هر طرف روی کند پیروز خواهد شد، به کاخ هر ستمگری برسد، بر سرش فرو خواهد ریخت و به هر ستم دیده‌ای برسد، رفع ستم خواهد نمود.

جالب اینکه در این روایت به قدرت معنوی حضرت مهدی (عج) نیز اشاره شده است؛ او با عصای حضرت موسی علیه السلام و انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام می‌آید. عصای موسی یاد آور هلاکت فرعونها و بلعیدن بافته‌ها و انگشتر سلیمان، یاد آور فرمانروایی مطلق آن حضرت بر همه موجودات می‌باشد.^۲

۳. عزت

یکی دیگر از جلوه‌های پیوند و شباهت، علمدار نینوا، قمر بنی

۱. اعلام الوری، ص ۴۰۷.

۲. یاد مهدی، مرحوم خادمی شیرازی، ص ۲۲۵.

هاشم علیه السلام و یوسف زهرا امام زمان علیه السلام عزّت و سازش نکردن با طاغوت است.

اگرچه امان دشمنان اهل بیت علیهم السلام به تجربه و شهادت تاریخ، عین نیرنگ و حيله است؛ زیرا معاویه ملعون به «حجر بن عدی» امان داد ولی او را به شهادت رساند. به فرستاده امام حسین علیه السلام «مسلم بن عقیل» امان دادند، اما او را نیز به شهادت رساندند.^۱

نگون بختان کربلا با پیروی از سیاست شیطانی، قصد جدایی خورشید و ماه را داشتند لذا برای علمدار سپاه حسین علیه السلام امان آوردند.^۲

صاحب معالی السبطین می نویسد:

إِنَّ الْأَعْدَاءَ إِذَا سَمِعُوا بِاسْمِ الْعَبَّاسِ إِزْتَعَدَتْ فَرَائِصُهُمْ وَ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ
وَ أَقْشَعَتْ جُلُودُهُمْ وَ مِنْ ذَلِكَ أَنَّ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ بَعَثَ إِلَيْهِ كِتَابَ أَمَانٍ^۳

وقتی دشمنان اسم عباس را می شنیدند، بدن آنها به لرزه افتاد و ترس و وحشت قلب هایشان را احاطه و پوست بدنشان جمع می شد، و به همین جهت عبیدالله بن زیاد برای او امان نامه فرستاد.

عملکرد و حرکت قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و پاسخ کمر شکن به این فتنه برای تمام عصرها و همه نسل ها الگو و

۱. حیاة الامام الحسین، ج ۲، ص ۳۶۵.

۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۹۱.

۳. معالی السبطین، ج ۱، ص ۴۳۷.

اسوه است؛ او علیه السلام راه و رسم امان نامه حقیقی را این گونه بیان فرمودند:

لَا حَاجَةَ لَنَا فِي أَمَانِكُمْ، أَمَانُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ أَمَانِ ابْنِ سُمَيَّةَ^۱

ما محتاج امان شما نیستیم، امان پروردگار بسیار بهتر از امان پسر سمیه است.

و هنگامی که شمر ملعون با آوردن امان نامه، قلب مقدس و منور او را به درد آورد، شمشیر سخن و تازیانه گفتار شیر بیشه شجاعت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، شمر ملعون را وادار به عقب نشینی ننگین نمود.

او علیه السلام فریاد برآورد:

تَبَّتْ يَدَاكَ وَلَعْنُ مَا جِئْتَنَابَهُ مِنْ أَمَانِكَ يَا عَدُوَّ اللَّهِ أَتَأْمُرُنَا
أَنْ نَتْرُكَ أَخَانَا وَ سَيِّدَنَا الْحُسَيْنَ بْنَ فَاطِمَةَ وَ نَدْخُلَ فِي
طَاعَةِ اللُّغْنَاءِ وَ أَوْلَادِ اللُّغْنَاءِ^۲

دست‌هایت بریده و جدا باد و لعنت باد بر آنچه بر ما آورده‌ای، ای دشمن خدا، آیا ما را امر می‌کنی دست از برادر و آقای خودمان امام حسین علیه السلام پسر فاطمه علیها السلام دست برداریم و در پیروی از ملعونیهایی که پدرانشان از ملعونین هستند، در آئیم.

در روز عاشورا هم، با خون خود این راه و رسم را به منصفه ظهور گذاشت، زیرا سالها بعد از واقعه طف به یکی از سپاهیان پسر سعد

۱. کامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۳؛ تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۶.

۲. کامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۵۶؛ منتخب التواریخ، ص ۲۵۸؛ نفس المهموم، ص ۱۱۲.

گفتند: «این چه ننگی بود که بر خود خریدید؟ چرا فرزندان رسول خدا ﷺ و یارانش را کشتید؟»

جواب داد: ساکت شو! گروهی روی در روی ما بودند که دستها بر قبضه شمشیر بود و گامها استوار، نه امان می پذیرفتند...^۱
این عزت و صلابت در سیره امام مهدی ﷺ موج می زند. امام حسن مجتبی ﷺ درباره جلوه‌ای از عزت امیر دوران امام زمان ﷺ می فرماید:

مَا مِمَّا أَحَدٌ إِلَّا وَيَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ...
لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ ذَاكَ التَّاسِعُ مِنْ
وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ.^۲

هرکدام از ما بیعت حاکمان و طاغوت زمان را از روی تقیه به عهده داریم، مگر قائم... تا هنگامی قیام کند که برگردنش بیعت حاکمی نباشد، او نهمین فرزند برادرم حسین است.

امام سجاد ﷺ نیز در این خصوص می فرماید:

وَلَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ^۳

بر عهده او (امام مهدی ﷺ) بیعت هیچ کس نیست.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۰۷، قیام حسین ﷺ دکتر شهیدی، ص ۱۶۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵.

۴. عبادت و بندگی

بندگی کن تا که سلطانت کنند تن رها کن تا همه جانت کنند عبادت یعنی به کار بستن مخلصانهٔ اعضاء و جوارح در راه اطاعت و بندگی حضرت حق، و نشانه‌های آن عبارت است از زردی چهره، پینهٔ پیشانی، ذوب شدن، خضاب خونین، قطعه قطعه شدن و... درباره نشانه‌های عبادت قمر بنی هاشم آورده‌اند: «وَبَيْنَ عَيْنَيْهِ أَثْرَالُ السُّجُودِ» این پینه بستن بر چهرهٔ جوانی سی و چهار ساله، حکایت از کثرت عبادات و تهجدات اوست.^۱

ابوالفرج می‌نویسد: میان دو چشمانش اثر سجده نمایان بود، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثْرِ السُّجُودِ﴾^۲

بندگان مؤمن اثر سجده در سیما و چهره خود دارند.

لذا امام جعفر صادق علیه السلام در زیارت مخصوص ابوالفضل علیه السلام اولین لقبی که نشانگر همین حقیقت است را یادآور می‌شوند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ؛ سلام بر توای بندهٔ شایسته

امام کاظم علیه السلام نیز درباره آخرین حجت الهی علیه السلام می‌فرماید:

«يَعْتَوِرُهُ مَعَ سَمْرَتِهِ صَفْرَةٌ مِنْ سَهْرِ اللَّيْلِ بَابِي مِنْ لَيْلِهِ»

یرعی النجوم ساجدا و راکعا؛ بر اثر تهجد و شب زنده داری

۱. زندگانی حضرت ابوالفضل علیه السلام، عطایی خراسانی، ص ۸۵.

۲. فتح، ۲۹.

رنگش به زردی متمایل است. پدرم فدای کسی باد که در طول شب در حال سجده و رکوع، تماشاگر طلوع و غروب ستارگان است.^۱

و امام رضا علیه السلام در این خصوص می فرماید: «يَكُونُ... أَعْبَدَ النَّاسِ» او عابدترین مردمان است.^۲

غرض از ذکر این مسئله این است که: راه پیوند با «عبد صالح» حضرت ابوالفضل علیه السلام و «ابوصالح» حضرت مهدی علیه السلام و جلب عنایت آنان عبادت، بندگی و پرستش خداوند متعال است. هر کس بخواهد از راه غیر دین، بی تقوایی، سبک شمردن نماز و کوتاهی در عبادت در مسیر مهدویت گام بردارد به مقصد نمی رسد. در نماز امام زمان علیه السلام، صدبار «ایاک نعبد و ایاک نستعین» باید گفته شود. یعنی این مسیر، راه نماز است و در این نماز صدبار باید گفته شود: «خدایا فقط تو را می پرستم»

همچنین آیت الله وحید خراسانی یکی از راههای بهره مند شدن از امام زمان علیه السلام را در این زمان تزکیه فکری، اعمال صالح و داشتن ورع و تقوی ذکر می کنند.^۳

۱. فلاح السائل، ص ۲۰۰؛ بحار، ج ۸۶، ص ۸۱.

۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۲.

۳. ر.ک: به یاد آخرین خلیفه...، ص ۷۴.

فطر دوم:

تحليلها

الف. زیارت

زیارت، همراه شدن با کاروان عشق و سوار شدن بر محمل شوق، موج عرفان و براق عشق و فرق نگذاشتن بین حیات و ممات^۱ است. زیارت قلمرو «دل» و «وادی محبت و شوق» است، نمودی از احساس متعالی و زبان علاقه و ترجمان پیوند قلبی است، فیض «حضور» در کنار اولیاء خدا است که زائر را از کیمیای «نظر» برخوردار می‌سازد.^۲

زیارت سپهسالار کربلا الهام و درس گرفتن دارد، درس‌هایی مانند: تعظیم فداکاری، تقدیر از اسوه وفا و تجلیل از سجایا و مقامهای معنوی و استمرار بخشیدن به خط سبز وفا و زنده نگه داشتن نام و یاد و خاطره و فرهنگ پیروی از امام زمان علیه السلام است.^۳

زائر در این زیارت، خود را در برابر آئینه تمام نمای فضیلتها قرار

۱. امام صادق علیه السلام: «من زارنا فی مماتنا، فکانما زارنا فی حیاتنا»، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۴ و در زیارتی که امام هادی علیه السلام آموزش داده است می‌خوانیم: «اشهد انک و من قتل معک شهداء احیاء»

۲. فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص ۲۰۲.

۳. برای آشنایی با آثار سازنده زیارت رک: زیارت، جواد محدثی، ناشر سازمان حج و زیارت و شوق دیدار، دکتر محمد مهدی رکنی، انتشارات آستان قدس رضوی.

می دهد و با زمزمه فقرات زیارت، علاوه بر الهام، سنگ محکی به اعمال خود می زند و عیار خود را در برابر امام زمانش می سنجد.

توجه و دقت به مضمون و محتوای این زیارت مأثور، که تناسب حقیقی با روح زندگانی سرور و سالار اهل وفاست ما را پیوند به امام عصر (عج) می دهد.

اولین نکته ای که با زیارت او علیه السلام روبه رو می شویم این است که او علیه السلام چه کرده است، زائرین او ابتدا سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب و پیامبران و بندگان شایسته و همه شهیدان و راست کرداران و برگزیدگان را در هر صبح و شام نثار او می کنند.

سید علی موحد ابطحی طبق همین زیارت می گوید:

«از اختصاصات حضرت ابوالفضل علیه السلام سلام خصوصی، صبحگاهی است. حضرت ابوالفضل علیه السلام همچون مقام ارشد نظامی که همگان موظفند صبحگاه و شامگاه بر او سلام دهند، از آنچنان عظمتی در دستگاه ملکوتی و عرشیان برخوردارند که خداوند متعال، ملائکه مقربین، انبیای مرسلین، عباد صالحین و جمیع شهدا و صدیقین و پاکیزگان هر صبحگاه و شامگاه برایشان سلام می دهند.»^۱

به راستی عباس علیه السلام چه راهی را پیمود که این مقام والا را به دست آورد؟ دقت در فرازهای بعدی زیارت، پاسخ این سؤال است. او علیه السلام

۱. چهره درخشان قمر بنی هاشم، ج ۴، ص ۹.

منازل تسلیم، باور محکم و وفا را جانانه پشت سر گذاشت و عشق خدمت، یاری و اطاعت از امام زمانش، موجب صبر و ایثار شد.

زیرا تعبیر زیارت او این است: «لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ» برای جانشین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عارفانه و عاشقانه تلاش کرد.

حضرت ابوالفضل عَلَيْهِ السَّلَام به خاطر «برادری» یا مسائل قوم و قبیله‌ای، فداکاری ننمود، تنها و تمام جانثاریهای او فقط به خاطر اطاعت از امام عصرش بود.

اما به راستی اگر من زیارت نامه عباس عَلَيْهِ السَّلَام، و هر زیارت دیگری را هزار بار بخوانم اما در فرازهای آن دقت و تدبّر نکنم آیا ارزش و اعتباری دارد؟

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«... أَلَا لَأَخَيْرٍ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ»^۱؛

آگاه باشید در قرائتی که تدبّر نباشد، هیچ خیری نیست.

بنابراین باید این زیارت را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و دقت شود، چرا زائرین کوی حضرت عباس عَلَيْهِ السَّلَام قبل از وارد شدن به روضه منوره ایشان باید شهادت به تسلیم، تصدیق و وفا و خیرخواهی حضرت عباس عَلَيْهِ السَّلَام برای امام زمانش عَلَيْهِ السَّلَام^۲ بدهند؟

۱. کافی. ج ۱، ص ۳۶. کتاب العلم، باب صفة العلماء.

۲. اشهد لك بالتسليم والتصديق والوفاء والنصيحة لخلف النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مفاتيح الجنان، ص ۸۵۰، زیارت حضرت عباس عَلَيْهِ السَّلَام.

۱. تسلیم

یکی از مقامات رفیع بندگی «تسلیم» در برابر امام زمان علیه السلام است. اسوه تسلیم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، آن گونه در برابر مولایش، تسلیم بود که هیچ یک از یاران امام حسین علیه السلام به قلّه عظمت آن نمی‌رسند. زیرا در واقعه عاشورا تنها کسی که تسلیم محض و هیچ گونه پیشنهاد و یا سخنی در برابر عملکرد امام حسین علیه السلام نداشت، عباس علیه السلام است.

هرچه سختی‌ها و مشکلات بیشتر می‌شد، تسلیم او شکوفاتر می‌گشت و فرزند امیر مؤمنان علیه السلام است کسی که با به دوش گرفتن تمام مشکلات جهان اسلام می‌فرماید:

فَمَا نَزَدَا عَلَى كُلِّ مُصِيبَةٍ وَ شِدَّةٍ إِلَّا إِيمَانًا وَ مُضِيًّا عَلَى
الْحَقِّ وَ تَسْلِيمًا لِلْأَمْرِ^۱

در هر مصیبت و شدتی، تنها ایمان و سرسپردگی بر حق و تسلیم

امر و فرمان ما زیاد می‌شد

کوهم و هستی من، بنیاد اوست ورشوم چون گاه یادم یسار اوست

جز به باد او نجنبم میل من نیست جز عشق احد سر خیل من

یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبت نیز «تسلیم» است. امام

محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

۱. نهج البلاغه، خ ۱۲۲، احتجاج، ج ۱، ص ۱۸۵.

إِنَّمَا كَلَّفَ النَّاسَ ثَلَاثَةً: مَعْرِفَةَ الْأَئِمَّةِ وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ فِيمَا
وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَ الرَّدَّ إِلَيْهِمْ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ^۱

مردم سه وظیفه دارند: شناخت امامان و تسلیم آنان بودن در آنچه
برایشان وارد می‌شود و مراجعه به آنان در اختلافاتی که پیش
می‌آید

لذا در طول تاریخ ما شاهد اسوه‌های تسلیم هستیم. با طلوع سپیده
اسلام، و درگیری بین اسلام و کفر ولو در بین قوم و قبیله، تنها تسلیم
پیامبر ﷺ بودن، کار گشا بود. لذا امیر مؤمنان حضرت علی عليه السلام
می‌فرماید:

وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ نَقُتِلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا
وَ أَعْمَامَنَا مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى
اللَّقْمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلَمِ^۲

ما با پیامبر اکرم ﷺ بودیم، در حالیکه پدران و فرزندان و برادران
و عموهای خود را می‌کشتیم و این کار تنها ایمان و تسلیم و بر شاه
راه صراط مستقیم بودن و صبر ما را بر دردها و رنجها می‌افزود.

مالک اشتر نخعی یکی دیگر از اسوه‌های تسلیم است، او که تا
کشتن معاویه چند گام بیشتر فاصله نداشت، به پیروی از دستور امام
علی عليه السلام و تسلیم در برابر مولایش برمی‌گردد. و با اعطای حکم

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۹۰، باب التسلیم.
۲. نهج البلاغه، خ ۱۲۲، وقعة صفین، ص ۵۲۰.

فرمانداری مصر، به سوی آن سرزمین می رود، و نمی گوید: علی جان! من دوست دارم در کنار شما باشم. او کاری را می کند که مطابق میل امام زمانش باشد، اگر چه فرسنگ ها راه بین آنها فاصله شود.

یکی دیگر از الگوهای تسلیم، «عبد الله بن ابی یعفر» است این یار با وفای امام صادق علیه السلام عرضه می دارد: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله اگر شما اناری را به دو نیم کنید و نیم آن را حلال و نیم دیگر را حرام بشمارید من نیز نیم اول را حلال و نیم دیگر را حرام خواهم دانست
امام علیه السلام در پاسخش می فرماید:

«رَحِمَكَ اللهُ، رَحِمَكَ اللهُ»؛ خدا رحمت کند، خدا رحمت کند^۱

امام جعفر صادق علیه السلام به جهت همین تسلیم و سر سپردگی او در رثایش در نامه ای به مفضل بن عمر می نویسد:

او دیده از جهان فرو بست - که صلوات خدایش بر او باد - در حالیکه افعالش پسندیده، سعیش مشکور، گناهانش بخشوده و به واسطه رضایت خدا و رسول و امامش غرق در رحمت بود. سوگند به نسبت فرزندی من به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که در زمان ما فرمانبردارتر از او نسبت به خدا و رسول و امامش یافت نمی شد و همواره بر این شیوه بود تا خدا او را به رحمت خود گرفت و به سوی بهشت روانه اش نمود و او را در میان

منزل پیامبر خدا و امیر مؤمنان علیه السلام جای داد و با آنان همنشین

ساخت.^۱

«کَلِيب» نیز رادمردی دیگر از بار یافتگان مقام تسلیم است. زید سخام از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که: به آن حضرت عرض کردم: «مردی به نام «کلیب» هست که هر حدیث یا حکمی از جانب شما بیاید، او می‌گوید: من تسلیمم؛ لذا ما او را «کلیب تسلیم» نام گذاشتیم.

زید گوید: آن حضرت علیه السلام برای او طلب رحمت فرمودند و سپس فرمودند:

آیا می‌دانید تسلیم چیست؟ پس ما ساکت شدیم. حضرت فرمودند: تسلیم همان إخبات (فروتنی) است که قرآن کریم به آن اشاره نموده و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآخَبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ﴾^۲

آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند و نسبت به پروردگارشان فروتنی می‌نمایند.

لذا ششمین پیشوای حق به همگان دستور می‌فرماید: «...فَعَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ» بر شماست که تسلیم باشید چنانچه کسی واقعاً به این مقام

۱. رجال الکشی، ص ۲۴۹.

۲. هود، ۲۳؛ کافی، ج ۱، ص ۳۹۰.

رسید و عملاً ثابت کرد «وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مَتَّبِعٌ»^۱ قلبم تسلیم قلب شماست و کارم تابع فرمان شماست» سعادت دنیا و آخرت شامل حالش می شود.

امام سجاده علیه السلام می فرماید:

إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ وَالْأَرْأِءِ
الْبَاطِلَةِ وَالْمَقَائِيسِ الْفَاسِدَةِ وَلَا يُصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ فَمَنْ
سَلَّمَ لَنَا سَلَّمَ وَ مَنْ اقْتَدَى بِنَا هُدِيَ...^۲

همانا دین خدای عزوجل با عقلهای ناقص و اندیشه های باطل و معیارهای نادرست به دست نمی آید و فقط از طریق تسلیم حاصل می گردد، پس هر که تسلیم ما گردد سالم می ماند و هر که به ما اقتدا کند، هدایت می شود و هر کس به تشخیص و فهم خود عمل کند هلاک می شود و هر که نسبت به احادیث ما یا احکام ما در دل سختی نماید به آن که سبع مثانی و قرآن عظیم را نازل فرموده کافر شده بدون آنکه خودش بداند.

امام محمد باقر علیه السلام هم به ابو خالد کابلی می فرماید:

وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهَّرَ اللَّهُ
قَلْبَهُ، وَلَا يُطَهَّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَ يَكُونَ سَلْمًا
فَإِذَا كَانَ سَلْمًا لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَ آمَنَهُ مِنْ

۱. زیارت جامعه.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۲.

فَرَعَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْكَبْرُ^۱

قسم به خدا! ای ابو خالد هیچ بنده‌ای تا خدا قلبش را پاک نکند ما را دوست نخواهد داشت و ولایت ما را نمی‌پذیرد. و تا تسلیم ما نشود و نسبت به ما حالت «سلم» نداشته باشد، خدا قلبش را پاک نمی‌کند. پس اگر نسبت به ما سلم بود خدا او را از حساب سخت حفظ خواهد کرد و از ترس و وحشت بسیار بزرگ در روز قیامت در امانش می‌دارد.

امام زمان علیه السلام هم خواستار «تسلیم» بوده و هستند ایشان می‌فرمایند:

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا وَ رُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا الْإِصْدار
كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِيرَادَ... وَلَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَ تَعْدِلُوا إِلَى
الشُّمَالِ وَ اجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ
الْوَاضِحَةِ^۲

از خدا بترسید و تسلیم ما باشید و امور را به ما واگذارید. بر ماست که شما را از سرچشمه سیراب آوریم، چنان که شما را به سرچشمه بردیم، و از راست منحرف نشوید و به نادرستی نگرائید و براساس سنت آشکار الهی، با محبت و دوستی، راه و مقصدتان را به سوی ما قرار دهید

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۶۲ باب البر بالوالدین.

۲. غیبت طوسی، ص ۲۸۶/احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

بنابراین یکی از مهم‌ترین وظایف ما در عصر غیبت، «تسلیم» است، چنانچه کسی تسلیم نباشد و صبر ننماید و عجله کند، قطعاً نجات نمی‌یابد. همان طوری که در روایات بسیاری به این مسئله اشاره شده است. امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

كَذِبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَّى الْمُسْلِمُونَ^۱

تعیین کنندگان وقت، دروغ می‌گویند و شتاب کنندگان هلاک شده و اهل تسلیم نجات می‌یابند.

چنانچه شخصی از دایره تسلیم در عصر غیبت خارج شود، گرفتار افراد فرصت طلب یا مهدی‌های دروغین یا در وادی یأس و نومیدی، شک و تردید، انکار، تأویل و توجیه بی‌خردانه، تمسخر و ترک وظایف می‌افتد.

ممکن است کسی بگوید: از یک طرف روایاتی وجود دارد که ما را امر به دعا برای تعجیل فرج نموده‌اند و بر اساس این احادیث عجله کردن مطلوب است.

در پاسخ می‌گوییم: دعا کردن برای فرج آقا امام زمان علیه السلام مخالف با تسلیم نیست و شکوه بر غیبت اشکال ندارد: «اللَّهُمَّ نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِيتْنَا وَ غَيْبَةَ وَ لَيْتْنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا...»^۲ اما اگر این شکوه به مرز شتابزدگی و کارهای عجولانه و گاه اعتراض به قضاء و قدر پروردگار متعال منجر

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸، باب کراهیه التوقیت؛ غیبت طوسی، ص ۴۲۶؛ غیبت نعمانی، ص ۱۹۶.

۲. دعای افتتاح.

شود مخالف تسلیم و قطعاً مطلوب نیست. دعا برای تعجیل فرج نشانه رضایت به قضاء و قدر الهی است و مخالف با صبر و تسلیم و انقیاد نیست.^۱

۲. تصدیق

صداقت از صفات پرهیزکاران^۲ و خلاصه تمام خوبی‌ها و موجب رستگاری است.^۳ لذا یکی از دستورات اصلی دین اسلام بوده و خداوند متعال در قرآن، همه را به این مهم رهنمون می‌فرماید: ﴿وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ﴾^۴؛ و بگو: پروردگارا! مرا / در هر کار / صادقانه وارد کن و صادقانه خارج نما.

راه و روش تمام انبیاء و اولیاء الهی علیهم‌السلام نیز صدق و راستی بوده، و از پیروان خود خواسته‌اند، در این مسیر گام بردارند، و در طول تاریخ صادقان راستین الگو و اسوه بوده و هستند. در بعضی از روایات از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده:

«تصدیق‌کنندگان سه کس بودند: حبیب نجار؛ مؤمن آل یس؛

همان کسی که به مردم (انطاکیه) می‌گفت از فرستادگان خدا

۱. جهت اطلاع بیشتر رک آخرین امید، داود الهامی، ص ۳۷۸؛ مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۸۴.

۲. آل عمران، ۱۷.

۳. مائده، ۱۱۹ ﴿هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ﴾؛ روزی که راستی راستگویان به آنها سود می‌بخشد.

۴. اسراء، ۸۰.

پیروی کنید، که پاداشی از شما نمی خواهند و خود هدایت یافته اند، و حزقیل مؤمن آل فرعون، و علی بن ابی طالب علیه السلام و او از همه برتر است».^۱

به راستی این سه نفر در بحرانی ترین لحظات به پیامبران الهی، ایمان آوردند و پیشگام و پیش قدم بودند و شایسته نام صدیقند، آنها در رأس کسانی قرار دارند که پیامبران الهی را تصدیق کردند، مخصوصاً صدیق اکبر، حضرت علی علیه السلام^۲ که از آغاز رسالت تا پایان آن همواره یار و یاور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود. و در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از آن، فداکاری و ایثارگری را به آخرین حد ابراز داشت.^۳

صادق آل محمد علیه السلام حضرت ابوالفضل علیه السلام را الگویی دیگر در این باب معرفی می فرمایند: در زیارت حضرت عباس علیه السلام در روز عید فطر و قربان عرضه می داریم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ وَالصَّدِيقُ الْمُوَاسِي؛

سلام بر تو ای بنده صالح و راستین و فداکار

از این فراز زیارت، پی می بریم که صداقت در وجود حضرت عباس علیه السلام نسبت به امام زمانش علیه السلام موج می زند لذا زائرین به این مقام

۱. این حدیث در منابع فریقین ذکر شده است رک: امالی، صدوقی و صواعق، ابن حجر ب ۳، ۹.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۲۷۶ «اخی رسولہ و الصدیق الاکبر»؛ مصباح المتعجد، ص ۷۴۲ «السلام علیک ایها الصدیق الاکبر السلام علیک ایها الفاروق الاعظم».

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۹۰.

شهادت می‌دهند:

أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصْدِيقِ... لِخَلْفِ النَّبِيِّ ﷺ

بر این اساس، یار و یاور امام زمان علیه السلام باید صادق باشد و صداقت در اعمالش، مشهود باشد. زیرا صداقت شانه و صفت دارد. خداوند متعال، ایمان، انفاق، نماز، زکات، وفای به عهد، استقامت و صبر را به عنوان صفات صادقان ذکر می‌فرمایند: ^۱ لذا صادق کسی است که دارای ایمان به تمام مقدسات و به دنبال آن عمل در تمام زمینه‌ها باشد. و امام زمان علیه السلام چنین یاورانی می‌خواهد و قمر بنی‌هاشم علیه السلام یکی از بهترین الگوها در این خصوص می‌باشد.

جالب اینجاست که شخصی از یک عارف نامدار، ذکری برای جلب عنایت امام عصر علیه السلام و ملاقات با او درخواست می‌کند و ایشان گفتن یکصدبار تا چهل شب آیه شریفه ﴿رَبِّ ادْخُلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ...﴾ را تعلیم نمود.^۲

نکته دقیق این دستور العمل «صداقت» است یعنی، هر کس در این مسیر وارد می‌شود، بداند، حرف اول و آخر «صدق و راستی» است و هیچ خواهش نفسانی در کار نباشد.

۱. بقره، ۱۷۷ ﴿... مِنْ آمَنَ بِاللّٰهِ... وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَآتَى الزَّكٰوةَ وَالْمَوْفُوْقَ بَعْدَ هَمِّ... وَالصّٰبِرِيْنَ... اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا...﴾ و حجرات، ۱۵ و حشر، ۸ برای آگاهی بیشتر رک تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۷۸-۱۸۴.

۲. کیمیای محبت، ص ۲۱۰ و ص ۲۴۵ برخی به این سفارش عمل کرده‌اند و توفیقاتی به دست آورده‌اند. در کتاب کیمیای محبت، دو نمونه ذکر شده است.

یک قدم بر خویشتن نه و آن دگر در کوی دوست

۳. وفا

فدای همت و مهر و وفای تو عباس که قد هر الفی پیش قامتت نون شد.^۱
یکی از مسائل حیاتی نظام سیاسی اجتماعی اسلام، عهد و عقد و پیمان و وفای به آن است.^۲ شهید محراب امیر مؤمنان امام علی علیه السلام به مالک اشتر می فرماید:

فَأَنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعاً
مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتُّبِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ
بِالْعَهْدِ^۳

در میان واجبات الهی هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم جهان با تمام اختلافاتی که دارند، مورد اتفاق نیست.

بنابراین در آخرین سوره‌ای که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد^۴ به همین جهت همین موقعیت خاص، تاکید روی یک سلسله مفاهیم بنیادی و آخرین برنامه‌های دینی و مسأله رهبری امت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله شده است. که با مسأله لزوم وفا به عقد و میثاق شروع شده است.

۱. مرحوم شهریار

۲. ر. ک بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۸۱ باب لزوم البيعة و کیفیتها و ذم نکتها.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳

۴. از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که حضرت علی علیه السلام فرمود: «سوره مائده دو ماه یا سه

ماه پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردید» البرهان، ج ۱، ص ۴۳۰، تفسیر نمونه، ج ۴،

ص ۲۴۲.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾^۱

ای افراد با ایمان به عقدهای خود وفا کنید.

با توجه به اینکه ﴿العقود﴾ به اصطلاح «جمع محلی به الف و لام» است مفید عموم می‌باشد یعنی آیه شریفه، دلیل بر لزوم وفا به تمام عقدها و پیمانها و میثاقهاست. و یک مفهوم کاملاً وسیعی را در بر می‌گیرد که به تمام جنبه‌های زندگی اعم از عقیده و عمل ناظر است، اگرچه فقهاء گرامی از این آیه شریفه، یک قاعده فقهی را استفاده نموده‌اند، ولی به آن معنی نیست که شامل پیمان امام و مأموم نشود، بلکه این آیه مفهوم وسیعی دارد که همه قرارها خصوصاً بیعت با امام زمان علیه السلام را نیز شامل می‌شود.

صادق آل محمد صلی الله علیه و آله هم در پاسخ به سؤال از این آیه شریفه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به قراردادهای وفا کنید» می‌فرماید: «مقصود همه پیمان‌هاست»^۲

هنگامی که هنگامه کربلا را بازخوانی می‌کنیم، در می‌یابیم که واقعاً در این عالم هستی، هیچ کس با وفاتر از یاران امام حسین علیه السلام نیست^۳

۱. مائده - ۱

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۹ ح ۵، میزان الحکمة، ج ۹، ص ۴۱۰۰.

۳. امام حسین علیه السلام فرمود: «لا اعلم اصحابا اوفى و لا خيراً من اصحابی» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم در وصف یاران حسینی می‌فرماید: «هم سادات الشهداء» بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳، امیرمؤمنان هم می‌فرماید: «لم یسبقهم سابق و لم یلحقهم لاحق؛ هیچ کس از نظر فضیلت از گذشتگان بر آنها پیشی نگرفته است و کسی از آیندگان به مقام رفیع آنها نمی‌رسد.

زیرا امام حسین علیه السلام از پوشش شب بهره جست و بیعت خویش را از آنان برداشت^۱ اما آنها (مسلم بن عوسجه، زهیر، فرزندان مسلم و دیگران) سخن از مروّت و وفا گفتند. در این میان سخنان میر صدق و وفا حضرت ابوالفضل علیه السلام که از لحاظ زمان و کیفیت رتبه ممتاز دارد، همواره بر پیشانی تاریخ می درخشد.

سید ابن طاووس در لهوف می گوید: «اولین کسی که به ایراد سخن پرداخت حضرت عباس علیه السلام بود او فرمود: آیا تو را رها کرده و تنها بگذاریم و برویم و بخواهیم که پس از تو زنده بمانیم؟
لَا أَرَانَا اللَّهَ ذَلِكَ أَبَدًا؛ خداوند هرگز چنین چیزی را برای ما نخواهد^۲

وقتی سخنان امیر وفا به پایان رسید، به دنبال آن، یاران امام حسین علیه السلام یک صدا همین سخن را گفتند.^۳

شبی پروانه سوزان، به شمع انجمن گفتا: چه می شدتا هزاران جان، به قربان تو می کردم
جلوه ای دیگر از وفای قمر بنی هاشم علیه السلام وفا به عهدی است که با پدر بزرگوارش امیر مؤمنان علیه السلام بسته بود زمانی که امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در بستر شهادت بود، حضرت عباس علیه السلام را به حضور طلبیده و به سینه چسبانیده و فرمود:

پسرم! به زودی در روز قیامت به وسیله تو چشمم روشن می گردد، هرگاه روز عاشورا فرا رسد و بر شریعه وارد شدی،

۱. امام حسن علیه السلام فرمود: «الا وانی قد اذنت لكم فانطلقوا...» بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۳.

۲. لهوف، ص ۹۱.

۳. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۹؛ ترجمه ارشاد، مفید، ج ۲، ص ۹۴.

مبادا از آب بنوشی در حالی که برادرت تشنه است.^۱

او نیز با وفای تمام، امان نامه دشمن را نپذیرفت و با لب تشنه، و بدنی قطعه قطعه، جانش را تقدیم امام زمانش علیه السلام نمود. لذا زائر در زیارت به این مقام شهادت داده و اعتراف نموده و از خداوند متعال این چنین می‌خواهد:

فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ... مِمَّنْ وَفَى بِيَعْتِهِ وَاسْتَجَابَ
لَهُ دَعْوَتَهُ وَاطَّاعَ وُلاةَ أَمْرِهِ؛^۲

خداوند متعال به شما بهترین، بیشترین، زیادتین و کاملترین پاداشی را عطا کند، از کسانی که وفای به عهد، اجابت دعوت و اطاعت ولی امر را کرده است.

بنده صالح خداوندی زان شرف داده‌ات خدا عباس

به امام زمان خود بردی تو وفا را به انتها عباس^۳

عملکرد حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در آن زمان، دست مایه برای عمل در تمام زمانهاست با توجه به وفای دلاور دشت کربلا حضرت ابوالفضل علیه السلام و وظیفه شیعیان در این زمان در برابر امام زمان علیه السلام رُخ می‌گشاید ما که با امام مهدی علیه السلام عهد بسته‌ایم که جان و مال و خویشان و همه آنچه که خداوند به ما ارزانی داشته فدایش کنیم

۱. معالی السبطين، ج ۱، ص ۴۵۴؛ نقد التزیه، ج ۱، ص ۱۰۰؛ پرچمدار نینوا، ص ۹۸.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۰۸؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۳. مرحوم ثابت، علمدار نیامد، ص ۶۲.

و به پایش بریزیم، پس باید مانند عباس علیه السلام باشیم.

در زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام می گوئیم:

بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا فَأَبْدُلْ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي
وَجَمِيعَ مَا خَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَالتَّصَرُّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَ
نَهْيِكَ؛^۱

این عهد و پیمان من به درگاه و نزد شماست که در رکاب شما با
بذل جان و مال و فرزندان و خانواده و همه آنچه را که پروردگارم به
من عطا کرده نثار کنم.

۴. بصیرت

یکی از مقام‌های شامخ و بی بدیل علمدار دشت کربلا، روشن
بینی اوست، که امام جعفر صادق علیه السلام در این خصوص می فرماید:

كَانَ عَمُّنَا الْعَبَّاسُ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ، صُلْبَ الْإِيمَانِ^۲

عموی ما عباس بصیرتی نافذ و ایمانی شدید داشت

کسی که با چشم سر، می بیند، به او «بصیر» می گویند و کسی که با
چشم دل، حقایق امور را مشاهده می کند «بصیرت» دارد. بصیرت به
نور دل و فهم قلبی گفته می شود و صاحب بصیرت، با پشتوانه ایمان،
هیچگاه مسیر حق را گم نمی کند و کوران حوادث هیچ خللی در اراده

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (عج).

۲. سر سلسله العلویه، ص ۸۹، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۸۹؛ سقای معرفت، ص ۵۹.

و تصمیم‌ش وارد نمی‌سازد و در میدان نبرد و رزم، با بستن حمایل عارفانه حمایت از امام زمانش می‌نماید. همان طوری که امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود:

حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ^۱

آگاهی و بینایی خویش را بر شمشیرهای خود حمل کردند.

مرحوم طبرسی رحمته الله در این رابطه می‌نویسد:

الْبَصَرُ: نُورُ الْعَيْنِ وَ هُوَ مَا يُبَصِّرُ بِهِ الرَّائِي كَمَا أَنَّ الْبَصِيرَةَ نُورُ الْقَلْبِ^۲؛

بصر روشنایی چشم را می‌گویند یعنی آن نوری که به وسیله آن بیننده، دیدنی‌ها را می‌بیند.

همان طوری که بصیرت نور قلب را می‌گویند.

و آنچه بسیار مهم است، بصیرت است زیرا کسی که چشم سر ندارد ولی چشم دلش بینا است، در این زمان بسیار واضح حضور امام زمان علیه السلام را حس می‌کند.

ابوبصیر می‌گوید: با امام محمد باقر علیه السلام به مسجد مدینه وارد شدیم، مردم در رفت و آمد بودند، امام علیه السلام به من فرمود: از مردم بپرس آیا مرا می‌بینند؟

از هر کس پرسیدم، آیا ابوجعفر علیه السلام را دیده‌ای؟ می‌گفت: نه، در حالیکه امام علیه السلام در کنار من ایستاده بود. در همین هنگام یکی از

۱. نهج البلاغه، خ ۱۵۰، فرهنگ عاشورا، ص ۷۳.

۲. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۷۰ و ۶۰۳؛ در این رابطه آقای باقر فخار در کتاب سقای معرفت، ص ۵۹-۱۱۷ بحث بسیار زیبایی را آورده است.

دوستان حقیقی آن حضرت، ابوهارون که نابینا بود، به مسجد آمد. امام فرمود: از او بپرس. از ابوهارون پرسیدم: آیا ابوجعفر را دیده‌ای؟ فوراً پاسخ داد. مگر کنار تو نایستاده است؟

گفتم: از کجا و چگونه متوجه شدی؟

گفت: چگونه ندانم، در حالی که او عَلَيْهِ السَّلَامُ نور درخشنده‌ای است.^۱ اما نکته دقیق و لطیف در فرمایش صادق آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره بصیرت قمر بنی هاشم عَلَيْهِ السَّلَامُ عنصر «نفوذ» است. حضرت عباس عَلَيْهِ السَّلَامُ «نافذ البصيرة» بود. لذا لازم است مفهوم نافذ البصيرة بودن را در لغت در یابیم.

محقق توانا آقای مصطفوی درباره «بصیر» می‌نویسد.

الْبَصِيرُ مَنْ لَهُ الْبَصَارَةُ أَيْ النَّظْرُ وَالْعِلْمُ^۲

بصیر به کسی می‌گویند که دارای فکر و علم باشد

و در باره «نفوذ» می‌نویسد:

إِنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَةِ هُوَ: الْوُرُودُ الدَّقِيقُ عَلَى شَيْءٍ فِي مَادِيٍّ أَوْ مَعْقُولٍ^۳

نفوذ، یک ریشه اصل دارد و معنایش وارد شدن دقیق در امور مادی یا معنوی را می‌گویند.

بنابراین بصیرت حضرت ابوالفضل العباس عَلَيْهِ السَّلَامُ در همه امور دقیق و

نافذ بود. او ملکوت همه عالم را مشاهده می‌کرد. سید عبدالرزاق

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۳.

۲. التحقيق في كلمات القرآن، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۹۲.

موسوی مقرر در این خصوص می‌نویسد:

«قمر منیر بنی هاشم علیه السلام با قابلیت ذاتی و کسبی خود به عالی‌ترین مقام بصیرت در دین و یقین در شناخت راه یافت و همه معارف عالیه دینی و اخلاقی را با تیز بینی و ژرف نگری خاصی بیاموخت. او مسائل را از پشت پرده تماشا نمی‌کرد، بلکه دیدگان نافذ او پرده‌ها را می‌شکافت و به اعماق حقایق راه می‌یافت و واقع را آنچنانکه هست می‌دید، از این رو در راه هیچ چیز فداکاری نمی‌کرد جز با علم ثابت و یقین استوار و ایمان که هیچ شکی با آن نیامیخته بود.»^۱

و در زیارت ایشان عرضه می‌داریم:

وَأَنْكَ مَضَيْتَ عَلَيَّ بِصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ^۲؛

به درستی که تو ای ابوالفضل، عمرت را سپری کردی در حالی که

دارای مقام بصیرت بودی و اقتدا به صالحین نمودی.

بصیرت داشتن مأموم امری ضروری و مهم است اگر شخصی بصیرت نداشته باشد، از امام زمانش به فاصله مشرق تا مغرب دور می‌شود. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

الْغَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا تَزِيدُهُ

سُرْعَةَ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا^۳

۱. سردار کربلا، ص ۱۷۳.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۱ ح ۵۸۶۴.

عامل بی بصیرت مانند رونده‌ای است که در مسیر گام بر نمی‌دارد

مگر آنکه هر چه بیشتر راه رود سریع‌تر از مسیر حق دور می‌شود

بنابراین عاشقان اهل بیت علیهم‌السلام همواره باید زمزمه نمایند که:

وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي^۱

خدایا! از تو می‌خواهم نور در دیدگانم و بصیرت در دینم ارزانیم

فرمایی

هرکس صاحب بصیرت باشد، دنیا را زودگذر و شهوات و شبهات

دنیای فانی، او را به ورطه سقوط نمی‌کشاند. امیر مؤمنان حضرت

علی علیه‌السلام درباره آثار بصیرت می‌فرمایند:

إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصْرِ الْأَعْمَى، لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَائِهَا شَيْئاً،

وَ الْبَصِيرُ يَنْقُذُهَا بَصْرُهُ، وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَائِهَا، فَالْبَصِيرُ

مِنْهَا شَاخِصٌ، وَ الْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ، وَ الْبَصِيرُ مِنْهَا

مُتَزَوِّدٌ، وَ الْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ^۲

همانا زندگی دنیا منتهای کور دلان است، که غیر از آن چیزی را

نمی‌بینند و انسان بینا دل، دید او از دنیا فراتر می‌رود و می‌داند که

سرای جاوید در ورای این دنیا است، بنابراین انسان که عقل و

قلبش نورانی شده و به مقام بصیرت رسیده از دنیا می‌گذرد و

انسان کوردل به سوی دنیا روی می‌آورد، شخص بصیر از دنیا

توشه برای آخرت بر می‌دارد و انسان کور دل توشه برای دنیا جمع

۱. مصباح المتعجد، ص ۱۰۵.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۳۳.

می‌کند.

یکی از راههای به دست آوردن بصیرت پیوند با امام عصر (عج) است، هر کس می‌تواند در پرتو امام علیه السلام به مقام «نافذ البصيرة» بار یابد. زیرا ائمه معصومین علیهم السلام به هر کس که لیاقت داشته باشد، بصیرت عطا می‌کند. نمونه زیر گویای این حقیقت است:

امام حسن عسکری علیه السلام را نزد علی بن نارمش که دشمن‌ترین مردم به اولاد ابی طالب بود، زندان کردند و به او گفتند: بر او علیه السلام هر چه می‌خواهی سخت بگیر. حضرت علیه السلام پیش از یک روز، نزد او نبود، که احترام و بزرگداشت آن حضرت در نظر او به جایی رسید که در برابر او چهره بر خاک می‌گذاشت و دیده از زمین بر نمی‌داشت، حضرت علیه السلام از نزد او خارج شد، در حالی که بصیرت او به آن حضرت از همه بیشتر و ستایش‌اش از همه نیکوتر بود.^۱

۵. یاری و سرسپردگی

مکتب تو مکتب عشق و وفاست درس الفبای تو صدق و صفاست
مکتب جانبازی و سربازی بی سری آنگاه سرافرازی است^۲
نصرت، یاری و سرسپردگی عباس علیه السلام نسبت به امام زمانش علیه السلام
بهترین الگو و اسوه برای عمل به روایاتی است که انسان‌ها سفارش و

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۰۸، زندگی امام یازدهم علیه السلام، ح ۸.

۲. ریاضی، علمدار نیامد، ص ۸۳.

توصیه به آن / یاری اهل بیت علیهم السلام / شده‌اند.

در روایات زیادی، فضائلی برای نصرت و یاری دهندگان «امامان نور» بیان شده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

همانا مثل تو مثل سوره هو قل هو الله احد می باشد، هر کس یک مرتبه آن را بخواند، مانند آن است که یک سوم قرآن را خوانده است و هر کس دو مرتبه بخواند، مانند آن است که دو سوم قرآن را خوانده است و هر کس سه مرتبه آن را بخواند مانند آن است که تمام قرآن را خوانده باشد.

همچنین هر کس محبت تو را در دل داشته باشد، برای او مانند پاداش یک سوم اعمال همه بندگان است و هر کس در دل تو را دوست داشته باشد و به زبانش تو را یاری کند، از برای او مانند پاداش دو سوم اعمال بندگان است و هر کس محبت تو را در دل داشته و به زبان و دست تو را یاری کند، از برای او مانند پاداش همه اعمال بندگان است.^۱

امام حسن مجتبی علیه السلام هم می فرمایند:

مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِسِيْدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي
الْغُرْفَةِ الَّتِي نَحْنُ فِيهَا...^۲

هر کس محبت ما را در دل داشته و با دست و زبانش ما را یاری

۱. محاسن، ج ۲، ص ۲۵۱، ح ۴۷۳؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۴، ح ۵۴.

۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۶.

کند، در غرفه‌های بهشتی با ما خواهد بود.

در طول تاریخ، افرادی عارفانه و عاشقانه در این مسیر گام برداشتند که یک نمونه آن «هشام» است هنگامی که هشام بن حکم به مجلس امام صادق علیه السلام داخل شد، و در مجلس بزرگان اصحاب حاضر بودند، او جوانی کم سن و سال بود که ریش او تازه روئیده بود، آن حضرت، هشام را احترام و تجلیل نمود و او را در کنار خود و بالاتراز بقیه نشانید، در حالی که دیگران از او مسن تر بودند، وقتی بر اصحاب گران آمد، امام صادق علیه السلام فرمود:

هَذَا نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ

او با قلب و زبان و دستش یاری کننده ماست.^۱

چنانچه کسی توفیق خدمت و یاری اهل بیت علیهم السلام را داشته باشد، بداند توفیق بزرگی نصیبش شده و در دنیا و آخرت سعادت مند است. امام علی علیه السلام می فرمایند:

«نَاصِرُنَا وَ مُحِبُّنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ»^۲

کسی که ما را دوست داشته و یاریمان کند، مشمول رحمت الهی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم می فرمایند:

اعلی درجات بهشت مخصوص کسانی است که ما را در دل

۱. همان، ج ۱۰، ص ۲۹۵.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۰۹.

دوست داشته و با دست و زبانشان ما را یاری کنند.^۱

چنانچه کسی برای یافتن این وظیفه، به دنبال الگو می باشد، حضرت ابوالفضل علیه السلام والاترین اسوه می باشد. قمر بنی هاشم علیه السلام پس از شهادت سرور اولیاء حضرت علی علیه السلام، بر حسب عمل به وظیفه، از جان و دل همواره مطیع و فرمانبردار برادر بزرگوارش؛ امام حسن مجتبی علیه السلام بود. او در بارگاه امام زمانش علیه السلام مقام سپهسالاری داشت و همواره با شمشیر برهنه در رکاب برادر ملتزم بود.^۲ و کوچک ترین مخالفتی از او نسبت به امام حسن علیه السلام دیده نشد.^۳

لذا در آغاز زیارت نامه اش، از زبان امام صادق علیه السلام عرضه می داریم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ
وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ...

سلام بر تو ای بنده صالح و مطیع خدا و رسولش و پیرو امیر مؤمنان

و حسن و حسین علیه السلام

یکی از جلوه های بارز، سرسپردگی حضرت عباس علیه السلام به هنگام تیرباران پیکر مطهر امام حسن مجتبی علیه السلام بود. وقتی آن وضع دلخراش را دید، غیرتش به جوش آمد، شمشیر را برای سیراب کردن از خون ناپاکان به دست گرفت، اما با اشاره امام حسین علیه السلام آتش خشمش فرو نشست.^۴

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۳.

۲. سقای کربلا، ص ۲۴.

۳. پرچمدار نینوا، ص ۱۰۱.

۴. سردار کربلا، ص ۲۸۰.

با سرزدن سپیده قیام امام حسین علیه السلام اوج سرسپردگی و نصرت و یاری شکوفا می‌شود. این نصرت آنچنان عاشقانه و عارفانه است که امام حسین علیه السلام با حدود بیست و سه سال بزرگتری به او می‌فرماید: «بنفسی انت»؛ فدایت شوم.^۱

مدح تو این بس که شه مُلک جان شاه شهیدان و امام زمان
گفت به تو گوهر والا نژاد جان برادر به فدای تو باد^۲
او آنچنان در خدمت امام عصرش بود که با رفتنش امام فرمود:
الآن انکسر ظهري وقلت حيلتي^۳
اکنون پشتم شکست و چاره‌ام کم شد.

آن که پناه همه عالم بُدی پشت و پناهِش به تو محکم بُدی
چون عرق مرگ به رویت نشست گفت که از داغ تو پشتم شکست^۴
این فرمایش سالار شهیدان علیه السلام به جهت آنکه برادری را از دست می‌دهد، نیست، زیرا این جمله در شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام و سایر برادران حضرت ابوالفضل علیه السلام که قبل از او به شهادت رسیده بودند، از امام حسین علیه السلام شنیده نشد. پس چرا امام حسین علیه السلام با شهادت حضرت عباس علیه السلام این جمله را فرمود؟

۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۱۵.

۲. ریاضی، علمدار نیامد، ص ۸۷.

۳. نفس المهموم، ص ۱۷۹.

۴. خطیب کعبه، مهندس علی اصغر یونسیان، ص ۳۰۰.

یکی از القاب نورانی حضرت عباس «ظَهْرُ الْوِلَايَةِ» است.^۱ او پشتیبان امام حسین علیه السلام بود لذا هرگاه امام و صاحب ولایتی، یار با وفا و پشتیبان خود را از دست بدهد، این گونه می باشد.

هر کس در یاری امام زمانش بکوشد، رفتن او بر امام زمانش سخت و گران است؛ هنگامی که امام علی علیه السلام در جنگ صفین بالای نعش «عمار بن یاسر» رسید، سر او را به دامن گرفت و فرمود:

انا لله و انا اليه راجعون، هر کس از فوت عمار محزون و دل

تنگ نشود، او را از مسلمانی نصیب نیست...^۲

امام حسین علیه السلام هم پس از شهادت علمدار دشت کربلا در میان حرم با گریه این اشعار را بیان فرمود:

أَخِي يَا نُورَ عَيْنِي يَا شَقِيقِي فَلِي قَدْ كُنْتَ كَالرُّكْنِ الْوَثِيقِ

ای برادر! ای نور چشم من، ای پاره قلب من، تو برای من چون پایه استوار بودی.

أَيَا قَمَرًا مُنِيرًا كُنْتَ عَوْنِي عَلَى كُلِّ النَّوَابِ فِي الْمَضِيقِ^۳

ای ماه تابان من! تو در همه مشکلات و تنگناها یاور من بودی.

فَبَعْدَكَ لِاتَّطِيبُ لَنَا حَيَاةً سَنَجْتَمِعُ فِي الْغَدَاةِ عَلَى الْحَقِيقِ

بعد از تو زندگی برای ما گوارا نیست و به زودی با هم در پیشگاه خدا ملاقات می کنیم.

مگر امام زمان حضرت مهدی علیه السلام با رفتن شیخ مفید رحمته الله اظهار تأثر

۱. پرچمدار نینوا، ص ۸۲.

۲. مهیج الاحزان، ص ۱۸۴؛ سفای کربلا، ص ۳۶.

۳. معالی السبطين، ج ۱، ص ۴۴۱؛ پرچمدار نینوا، ص ۱۹۱؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۸۵.

نفرمود؟! عالم شهید، مرحوم قاضی نورالله شوشتری و علمای دیگر هم در کتاب‌های خود آورده‌اند که این ابیات در عزای شیخ مفید رحمته الله مشهور و منسوب به حضرت صاحب الامر (عج) می‌باشد، که در مرثیه آن عالم بزرگوار بیان فرموده و مردم این اشعار را بر قبر شیخ مفید رحمته الله دیدند.

لأصوت الناعي بفقدك إنه يومٌ على آل الرسول عظيم

مبادا آنکه ناعی (کسی که خبر ناگوار می‌آورد) فقدان تو را خبر دهد، زیرا روز مرگ تو بر آل پیامبر صلی الله علیه و آله روزی بس بزرگ و سنگین است.

إن كنت قد غيبت في جدث الثرى فالعلم والتوحيد فيك مقيم

اگر تو (ای شیخ مفید) در میان خاک پنهان شدی، پس علم و توحید در وجودت اقامت گزیده است.

وَألقائهم المهدى يفرح كلما تليت عليك من الدروس علوم

هر گاه از انواع علوم تدریس می‌کردی (یا شاگردان درس پس می‌دادند)، مهدی قائم علیه السلام شادمان و خوشحال می‌شد.^۱

آنچه در سیره حضرت ابوالفضل علیه السلام در خدمت به امام عصرش، تجلی دارد، رغبت و اشتیاق او به این امر است،^۲ لذا در زیارت او بعد

۱. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۷۷؛ نجم ثاقب، ص ۵۷۳؛ ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۷۷؛ میر مهر، ص ۱۱۳.

۲. شوق و اشتیاق به یاری امام حسین علیه السلام در وجود تازنین حضرت عباس علیه السلام آنقدر زیاد است. که در مکاشفه‌ای که برای آیت الله سید محمد حسن نجفی معروف به آقا نجفی قوچانی رُخ داد، پرده از این رمز و راز بر می‌دارد. ایشان روزی طنین صدای ساعت حرم امام حسین علیه السلام را با گوش جان می‌شنود که ندای «هل من ناصر» دارد و ساعت حرم

از آنکه اعتراف به نیکو بودن نصرت و حمایت او داریم، عرضه می‌داریم:

الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ^۱

شما مشتاقانه به چیزی (یاری امام عصر) شتافتی که دیگران از آن رو برگردانده بودند.

این یاری آن‌گونه بوده است که محدث جلیل حاج ملاعلی تبریزی از یکی از علمای عرب نقل می‌کند. که چون این مصرع را گفت: «يَوْمَ اسْتَجَارَ بِهِ الْهُدَى» یعنی روز عاشورا روزی بود که سیدالشهدا به برادرش عباس پناه برد.

خجالت کشید و حیا کرد. زیرا شاید این مصرع مقبول حضرت سیدالشهداء علیه السلام نباشد، لذا مصرع دیگر را نگفت. در عالم رؤیا، امام حسین علیه السلام به او فرمود: آنچه گفتمی صحیح است. من پناه به برادرم بردم، و مصرع دوم را حضرت این چنین بیان فرمود:

«وَالشَّمْسُ مِنْ كَدْرِ الْعِجَاجِ لِثَامِهَا» یعنی آن وقت که من پناه بردم، خورشید را پرده‌ای از گرد و غبار پوشانده بود.^۲

اما شاید سؤال شود که ما چگونه می‌توانیم به امام زمانمان خدمت کنیم؟ چگونه می‌توان او را نصرت داد؟

حضرت عباس علیه السلام هم در جواب می‌گوید: «لیک، لیک» رک سیاحت شرق، ص ۴۱۶.
 ۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.
 ۲. خصائص العباسية، ص ۲۶۳؛ منتخب التواریخ، ص ۲۴۹؛ چهره درخشان قمر بنی هاشم، ص ۱۴۸؛ سقای کربلا، ص ۲۶.

یاری کردن امام مهدی علیه السلام بر حسب زمانها و مکانها و انسانها متفاوت است؛ دعا کردن، نشر فضائل و... از جمله موارد یاری یوسف زهرا علیها السلام است. هر کس بنا بر موقعیت شغلش می‌تواند برای یاری امام مهدی علیه السلام تلاش کند، و دیگران را با یاد و نام حضرت (عج) آشنا و شیفته سازد، و همگان همراه او شوند.^۱

فقط همین را بدانیم امام صادق علیه السلام طالب خدمت به امام مهدی علیه السلام است زیرا از ایشان پرسیدند: آیا قائم (عج) متولد شده است؟ فرمودند: نه
وَلَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي^۲

اگر من او را درک کنم، تمام عمرم را در خدمت به او سپری می‌کنم.

وقتی امام معصوم، صادق آل محمد صلی الله علیه و آله، حاضر هستند، تمام عمر گرانبهای خویش را در راه امام مهدی علیه السلام بگذرانند، ما چگونه باید باشیم؟ امروز که ما توفیق درک دوران او را داریم، بسیار لازم و شایسته است کمر به خدمت آستان او ببندیم و جانانه تلاش نماییم.^۳

۶. معیت

یکی دیگر از جلوه‌های بارز همراهی با امام زمان علیه السلام در حرکت

۱. برای اطلاع بیشتر از چگونگی یاری کردن امام زمان علیه السلام رک شیوه‌های یاری قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، آیت‌الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی، قم، انتشارات عطر عترة.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۴۵؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۳. هر کس برای امام مهدی علیه السلام تلاش کرده و اسم خود را در دفتر نوکران او علیه السلام ثبت نماید، شرافت بزرگی نصیبش شده است. صاحب مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۲۰، هشت وجه برای برتری اصحاب و یاران امام مهدی علیه السلام بیان نموده است.

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. تمام شهدای کربلا با اجازه امام حسین علیه السلام تنها به میدان مبارزه رفتند. اما در این میان تنها کسی که با خود امام حسین علیه السلام به میدان نبرد رفت، حضرت عباس علیه السلام است؛ یعنی هر دو با هم به قلب سپاه دشمن زدند، و آنها را روانه دوزخ نمودند.

تا زمانی که اصحاب و بنی هاشم زنده بودند، امام حسین علیه السلام هیچگاه اجازه میدان رفتن به حضرت ابوالفضل علیه السلام نداد، فقط به هنگام ضرورت در بعضی موارد، قمر بنی هاشم علیه السلام برای نجات اصحاب یا بنی هاشم وارد معرکه شد و هنگامی که امام حسین علیه السلام تنها ماند، تنها عباس در کنار او دیده می شود. صاحب معالی السبطین از مقاتل الطالبیین این گونه نقل می کند:

بَقِيَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ قَائِمًا أَمَامَ الْحُسَيْنِ علیه السلام يُقَاتِلُ دُونَهُ وَ يَمِيلُ مَعَهُ حَيْثُ مَالَ حَتَّى قُتِلَ علیه السلام ۱

تنها عباس بن علی علیه السلام در کنار امام حسین علیه السلام ایستاده و می جنگید، و هر طرف امام حسین علیه السلام می رفت، او نیز می شتافت تا اینکه شربت شهادت نوشید.
مرحوم محدث قمی (ره) از کتاب احتجاج مرحوم طبرسی (ره) نقل می کند:

در هنگامی که حضرت عباس علیه السلام همراه با برادر می جنگید، تیری

۱. معالی السبطین، ج ۱، ص ۴۳۲، الأخبار الطوال، ص ۲۵۷.

به پیشانی حضرت سیدالشهداء علیه السلام اصابت کرد که ابوالفضل علیه السلام با سرعت آمدند و تیر را از پیشانی امام علیه السلام خارج کردند.^۱

لذا امام صادق علیه السلام در زیارت او می‌فرماید:

وَجَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ^۲؛ و همراه با امام حسین علیه السلام جنگ نمودی.

این همراهی و معیت به اندازه‌ای موجب سنجیت شده که ایشان تالی تلو معصوم می‌شوند و با کشتن او، حرمت اسلام از بین می‌رود. همان طوری که در زیارت او عرضه می‌داریم:

لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ، وَأَنْتَهَكْتَ فِي قَتْلِكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ؛^۳

خدا لعنت کند، کسانی که حرامهای الهی را در حق تو حلال

شمردند و با کشتن تو، حرمت و هیبت دین اسلام را پایمال کردند.

ما نیز باید مانند حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام باشیم. او امام

زمانش علیه السلام را چگونه همراهی و یاری کرد؟

از زمین است نوحه تا سپهر از سپهر است ناله تا به زمین

بر همه اهل ارض در همه روز این ندا داده جبرئیل امین

کل یوم کیوم عاشورا کربلا کل عرصة الغبراء^۴

۱. نفس المهموم، ص ۱۵۶.

۲. کامل الزیارة، ص ۲۰۸، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۳. همان و زیارت روز عرفه.

۴. دیوان فرصت، (فرصة الدولة) شیرازی، مقدمه و تصحیح علی زرین قلم، کتابفروشی

سیروس، تهران، ۱۳۳۷ ه.ش، ص ۴۴۶.

امروز، هر کس باید خودش را با مقام ولایت، بسنجد، چه مقدار کارهایش مورد رضایت امام زمان علیه السلام است؟ آیا این کارها، موجب «معیت» و همراهی است؟

۷. خیرخواهی

خیرخواستن برای هر بنده‌ای ثواب و اجر فراوانی دارد، و اگر انسان خیرخواه اعظم و اشرف مخلوقات و کامل‌ترین انسان و قطب عالم امکان باشد، ثواب و ارزش بی حد و حصر نصیبش می‌شود.
امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عزوجل به هیچ دوست خود که جانش را به اطاعت و خیرخواهی امامش به زحمت انداخته، نظر نمی‌افکند، مگر اینکه او در رفیق‌اعلی / جایگاه پیامبران و صدق‌ان و شهدا و صالحین / با ما باشد.^۱

امام صادق علیه السلام هم فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد خیف برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: «... ثَلَاثٌ لَا يَغْلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِيَلَهُ وَالنَّصِيحَةُ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَاللُّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ...»^۲

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۰۴.

۲. همان، ص ۴۰۳.

سه چیز است که قلب هیچ فرد مسلمانی در آنها خیانت نکند:
اخلاص عمل برای خدا و نصیحت و خیراندیشی برای امامان و
پیشوایان مسلمین و ملازمت جماعت آنها.

لذا سفیان ثوری به خدمت صادق آل محمد صلی الله علیه و آله شتافت در حالی
که امام سوار بر مرکب بود. سفیان عرضه داشت: خطبه پیامبر در
مسجد خیف را بر ایمان بازگو فرما. امام فرمود: چون سوار بر مرکب
هستم، بگذار دنبال کارم بروم، بعد از مراجعت برایت می‌گویم.
سفیان، امام علیه السلام را به حق خویشاوندی امام با پیامبر صلی الله علیه و آله قسم داد،
که همین الان حدیث را برایش بازگو کند. پس آن حضرت علیه السلام پیاده
شد و دستور داد تا وسایل نوشتن را فراهم کند و بنویسد. وقتی
حدیث را نوشت و بر آن حضرت باز خواند. امام علیه السلام سوار شد و رفت.
مردی که همراه سفیان ثوری بود، به او گفت: به خدا قسم! امام
صادق علیه السلام با بیان این حدیث برگردن تو حقی گذاشت که هرگز از
عهده‌ات خارج نشود.

سفیان گفت: کدام حق؟

گفت: در این حدیث سه چیز است که قلب مسلمان در آنها خیانت
نکند: اول اخلاص عمل برای خدا که ما آن را فهمیدیم. ولی دومی که
نصیحت و خیراندیشی برای ائمه مسلمین است.

اینها کدام ائمه هستند؟ که خیراندیشی برای آنان بر ما لازم است؟
معاویه و یزید و مروان و افرادی از این قبیل که نماز پشت سر آنها جایز

نیست و شهادتشان نزد ما مقبول نیست، قطعاً مراد نیست و سوم که ملازمت جماعت آنها است. منظور کدام جماعت است؟ آیا منظور جماعت مرجئه یا قدری‌ها یا حروری‌ها و خوارج هستند؟

سفیان گفت: وای بر تو معنی این دو جمله حدیث چیست؟ رفیقش به او گفت: منظور از امامی که نصیحت و خیراندیشی برای او، بر ما واجب است، علی بن ابی طالب علیه السلام است و مقصود از جماعتی که ملازمت آنها واجب است، خاندان اوست.

در این هنگام، سفیان ثوری نوشته را پاره کرد و گفت: این مطلب را به کسی نگو.^۱

قمر بنی هاشم علیه السلام واقعاً به تمام معنی، خیرخواه امام زمانش علیه السلام بود. لذا در زیارتش عرضه می‌داریم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالَعْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ
الْمَجْهُودِ؛^۲

و گواهی می‌دهم که شما نهایت کوشش را در خیرخواهی انجام داده و کوشا بودید.

و در قسمت بعدی زیارت عرضه می‌داریم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ؛^۳

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۰۳.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۲۰۹؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۳. همان.

شهادت می‌دهم که تو هیچ سستی و کوتاهی نکردی.

و در زیارت ایشان در روز عرفه نیز عرضه می‌داریم:

أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَا خِيَاةَ؛

گواهی می‌دهم که شما ناصح و خیرخواه برای خدا و رسول خدا و برادرت بودی.

صاحب مکیال المکارم با بیان اینکه، خیرخواهی برای امام زمان علیه السلام یکی از وظایف منتظران است.^۱ می‌نویسد:

«بدان که نصیحت گر نسبت به امام زمانش علیه السلام کسی است که وضع خود را مراقب باشد و بر کارهایش مواظبت نماید، به طوری که افعال و نیت‌هایش که راجع به امام زمانش است، از هر چه مایه نارضایتی و هتک احترام امامش هست برکنار و خالص باشد و همه جا رعایت کند که خیر مولایش چیست...»^۲

۸. ایثار

یکی از واژه‌های ناب اسلامی که در کربلا بسیار واضح و خوب معنی و تفسیر شد، واژه «ایثار» است. رجوع به لغت نامه‌ها برای فهم

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۶۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۷۲.

معانی گلوآژه‌های اسلامی یا انسانی، راه بسیار دور و طولانی بوده و می‌باشد.

فداکاری، مقدم داشتن، فدا کردن همه چیز حتی جان، در صحرای کربلا موج می‌زند. آن سه روزی که در کربلا، آب کمیاب و سهمیه بندی شده بود، سه تن؛ امام، زینب، عباس علیهم‌السلام حتی از سهمیه خویش استفاده ننموده و به کودکان تشنه لب بخشیدند.^۱

یاران امام حسین علیه‌السلام در شب عاشورا با آن که بیعت از آنها برداشته شده بود. اعلام ایثار و فداکاری کردند. و در این میان، اولین سرداری که سکوت شب را شکسته و اعلامش را علنی نمود، پهلوان علقمه؛ حضرت عباس علیه‌السلام است.^۲

دغدغه تنهایی امام به هنگام جان دادن، سبقت بر بنی هاشم برای رفتن به میدان جنگ، سفارش به دیگران در یاری امام^۳ جان را سپر تیر دشمن کردن برای اقامه نماز، همه و همه تجلی ایثار و گذشت است. اما قلّه این ایثار، فداکاری و گذشت سقای دشت کربلاست؛ وقتی با لبان تشنه و جان خسته وارد بر شریعه فرات شد و آب را تا مقابل لبان خشکیده آورد، به یاد لب‌های تشنه امام زمانش و جگر تفتیده اهل بیت علیهم‌السلام او نه تنها آب را نمی‌نوشد، بلکه به نفسش نهیب می‌زند، که

۱. پیشوای شهیدان، سید رضا صدر، ص ۳۲۲.

۲. موسوعة الكلمات الحسين علیهم‌السلام، ص ۱۰۰.

۳. مسلم بن عوسجه وقتی بر زمین افتاد، به حبیب ابن مظاهر وصیت می‌کند که تا زنده است مبادا دست از یاری امام حسین بردارد. و جانش را فدای او کند. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۰.

آیا آب بنوشی، در حالی که حسین علیه السلام تشنه است.^۱

آب شرمنده ایثار علمدار تو شد

که چرا تشنه از او این همه بی‌تاب گذشت^۲

لذا در زیارت ناحیه مقدسه، امام هادی علیه السلام می‌فرماید:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

الْمُوَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ الْآخِذِ لِعَدِهِ مِنْ أَمْسِهِ، الْفَادِي لَهُ،

الْوَاقِي، السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ، الْمَقْطُوعَةَ يَدَاؤُهُ...^۳

سلام بر ابوالفضل العباس پسر امیر مؤمنان، آنکه با کمال مواسات

و ایثار و برادری، جانش را نثار برادرش حسین کرد، آنکه دنیا را

وسیله آخرت قرار داد، آنکه خود را مشتاقانه فدای برادر نمود، آنکه

نگهبان دین و سپاه حسین بود، آنکه تلاش بسیار برای آب

رسانی به سوی لب تشنگان نمود، آنکه دو دستش در راه خدا قطع

شد.

در کفم آب، ولی بی تو ننوشم هرگز تا در آئین وفا کس نبرد ابهامی^۴

این ایثار قمر بنی هاشم، رهیافت عظیمی برای یاری رساندن به

امام عصر (عج) است. همان طوری که رشحات این گذشت را

عاشقان امام زمان (عج) در پگاه هر جمعه زمزمه می‌کنند:

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۱.

۲. نصرالله مردانی.

۳. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۷۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۶.

۴. سید علی شجاعی، علمدار نیامد، ص ۶۹.

عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِي الْبَلُوِي...^۱

بر من سخت است که بلا شما را احاطه کند و من سالم باشم.

این فرازها اگر صادقانه گفته شود پیوند عمیقی با صاحب الامر علیه السلام برقرار می شود، و موجب کسب مقامات معنوی مانند «سلمان» می شود.

آیا می دانید! چرا سلمان فارسی به مقام «سلمان محمدی» و «منا اهل البیت» رسید؟

امام صادق علیه السلام یکی از علت‌های آن را ایثار سلمان نسبت به ولی زمانش بیان می فرماید: منصور برزج^۲ به امام صادق علیه السلام عرضه می دارد. ای سرور من! چرا از شما یاد سلمان فارسی زیاد شنیده می شود؟ حضرت فرمود: مگو سلمان فارسی، بلکه بگو: «سلمان محمدی» آیا می دانی چرا بسیار از او یاد می کنم؟ منصور برزج عرضه داشت: خیر.

حضرت فرمود: برای سه خصلت: یک مقدم داشتن خواسته امیرمؤمنان علیه السلام بر خواسته خویش. دوم: دوست داشتن فقرا و برگزیدن آنها بر اهل ثروت. و سوم: دوست داشتن علم و علماء. همانا سلمان بنده صالح درستکار بود.^۳

۱. دعای ندبه.

۲. او منصور بن یونس است و «برزج» معرب است.

۳. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۲۷.

بر همین اساس صاحب مکیال المکارم یکی از وظایف مؤمنین و مؤمنات را در عصر غیبت، مقدم داشتن خواسته امام زمان (عج) برخواسته خود بیان می‌کند و می‌نویسد:

«در هرامری که بر تو وارد شد و می‌خواهی در آن اقدام کنی، فکر کن که آیا موافق رضا یا غضب حضرت است. پس اگر موافق رضایت آن جناب بود، آن را انجام بده و اقدام نما، و اگر مخالف رضایت او بود، آن را رها کن و با هوای نفس ات مخالفت کن...»^۱

بنابراین باید مانند حضرت عباس علیه السلام بود. و مثل او یار امام زمان (عج) بود اما به راستی او کیست؟ و چگونه زیست؟

عباس، یعنی عشق و ایثار و شهامت	یعنی نمود بارزی از استقامت
عباس، یعنی مرگ را باور نکردن	یک لحظه در ناباوری‌ها سر نکردن
یعنی عروج عشق تا آن سوی ادراک	یعنی گذشتن از لب دریا، عطشناک
یعنی تمام عاشقی پا در رکاب است	در سینه سالار مردان انقلاب است
تنها تو فهمیدی صدای تشنگی را	بر آب دیدی جای پای تشنگی را ^۲
و چه زیبا سروده است:	

عباس یعنی تا شهادت یکه تازی	عباس یعنی عشق یعنی پاکبازی
عباس یعنی با شهیدان هم‌نوازی	عباس یعنی یک نیستان تکنوازی
عباس یعنی رنگ سرخ پرچم عشق	یعنی مسیر پر پیچ و خم عشق

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۳۷، وظیفه ۶۶.

۲. قاسم مرام، کاروانی از شعرهای عاشورایی در هفت منزل، ص ۸۲.

جوشیدن بحر وفا معنای عباس لب تشنه رفتن تا خدا معنای عباس
عباس یعنی یک نیستان تکنوازی هفتاد و دو آهنگ حق را همنازی^۱

۹. ادب و خضوع

ای ادبت حلقه گوش ملک پایه قدر تو به دوش فلک
بر پسر فاطمه علیها السلام در هیچ باب وه که نکردی تو برادر خطاب
تا به شهادت، که زطوفان کین شد قد رعناى تو نقش زمین^۲

اسوه ادب و پارسایی، قمر بنی هاشم علیه السلام در برابر امام زمانش علیه السلام چگونه بود؟ کمتر کسی است که نشنیده باشد، عباس علیه السلام همواره برادرش را با لفظ «مولای» و واژه «سیدی» خطاب می کرد. آیا این مسئله رهیافتی برای این عصر و تمام نسلها نیست؟

یکی از وظایف منتظران، رعایت ادب نسبت به حجت خدا؛ حضرت ولی عصر روحی فداه می باشد^۳ و همواره باید حضرت علیه السلام با القاب شریف و اسماء مقدس یاد نمود. حتی قیام به هنگام شنیدن لفظ شریف «القائم» جلوه‌ای از این واقعیت می باشد.

روزی در مجلس ششمین پیشوای حق امام جعفر صادق علیه السلام از امام زمان علیه السلام یاد شد. امام صادق علیه السلام به منظور تعظیم و احترام نسبت به اسم آن حضرت به پا ایستاد.^۴

۱. خلیل شفیعی، علمدار نیامد، ص ۹۴.

۲. علی اصغر یونسیان، خطیب کعبه، ص ۳۰۱.

۳. مکمال المکارم، ج ۲، ص ۱۸۸.

۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

اما خضوع و خشوع حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام هم در برابر مولایش قابل دقت و الگو می‌باشد تاریخ گواه آن است که حضرت عباس علیه السلام هیچگاه بدون اجازه در کنار امام حسین علیه السلام نمی‌نشست و آنگاه که امام علیه السلام اجازه نشستن می‌داد، مانند عبد خاضع دو زانو در برابر مولایش می‌نشست.^۱

بنابراین باید همانند او با قلبی خاضع و بدنی خاشع در خدمت ولی زمان علیه السلام بود. زیرا یکی از وظایف منتظران خشوع در برابر امام علیه السلام است.^۲ و در دعایی که از امام صادق علیه السلام در اعمال روز جمعه، شرف صدور یافته است، عرضه می‌داریم:

اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ خَاضِعٍ وَرَأْسِي وَوَلِيِّكَ بِسَبَدَنِ
خَاشِعٍ وَرَأْسِي الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ بِقُوَادِمُتَوَاضِعٍ...^۳

پروردگارا! من به درگاهت با دلی خاضع و به سوی ولایت با بدنی فروتن و به امامان هدایتگر با قلبی متواضع تقرب می‌جویم.

خضوع، خشوع و فروتنی در برابر امام علیه السلام یعنی به کار بستن تمام وجود در جهت خدمت به مولی، در حالیکه به کوچکی خود اقرار کند. آیا تا به حال یک نوکر را در برابر ارباب دیده‌اید؟ هر کس باید در برابر امام زمانش اینگونه باشد.

۱۰. صبر

۱. خطیب کعبه، ص ۶۶.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۳۵.

۳. جمال الاسبوع، ص ۲۰۳.

شکیبایی، سنتی از سیره معصومین است^۱ و قهرمان علمقه فرزند شکیبایی و صبر است. او شاهد خانه نشینی پدر، جنگ برادر، تیرباران شدن پیکر برادر، و شهادت یاران برادر است. صبر او رهیافتی برای این دوران است زیرا واژه صبر را برای ما بسیار خوب تفسیر کرد و این واژه را شرمنده خویش نمود. لذا در زیارتش عرضه می‌داریم:

فَنِعْمَ الْأَخُ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ^۲

شما برادری نیکو با صبر و شکیبا و مجاهد بودی.

صبرش آن قدر گرامی است که هر زائری، خواهان برترین خیرها در برابر صبر و تحمل او می‌شود.

أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَ اخْتَسَبْتَ وَ أَعْنَتَ^۳

پاداش را خداوند متعال، به واسطه صبر و خیرخواهی و کمکی که انجام دادی، به شما ارزانی دارد.

ما نیز باید صبور باشیم. زیرا در این عصر، منتظران، شاهد ناملایمات فراوانی هستند. و اهل باطل چه بسا آسوده و راحت هستند.

صبر در برابر سختی‌ها و محنت‌های غیبت و تسلیم بودن در برابر امر پروردگار یکی از مهم‌ترین وظایف این زمان می‌باشد. صاحب مکیال المکارم در این رابطه چهار وظیفه را یادآور می‌شوند:

۱. درخواست صبر از خداوند متعال

۱. امام صادق علیه السلام، تحف العقول، ص ۲۳۰.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام در عید فطر و قربان.

۳. کامل الزیارات، ص ۲۰۸؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۲. صبر کردن بر اذیت و تکذیب و سایر محنتها

۳. سفارش یکدیگر به صبر

۴. تسلیم بودن و عجله نکردن^۱

این چهار وظیفه پشتوانه روایی دارد. و احادیث فراوانی بر این مطالب دلالت دارد؛ عبدالرحمن بن کثیر می‌گوید: در محضر امام جعفر صادق علیه السلام بودم که مهزم بر آن حضرت وارد شد و عرضه داشت: فدایت شوم، به من خبر ده، امری که منتظر آن هستم چه وقت خواهد بود؟ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

ای مهزم! وقت گذاران دروغ می‌گویند و عجله کنندگان

هلاک گردند و تسلیم شدگان نجات یابند.^۲

صاحب مکیال المکارم صبر در این ایام را به چند گونه بیان می‌کند:

۱. صبر بر بلاهایی که وارد می‌شود.

۲. صبر در برابر مطالب و مسائلی که مخالفین گفته و یا انجام می‌دهند.

۳. صبر بر طول غیبت به اینکه شتابزدگی امری ناپسند است و

باعث تردید و قساوت قلب به ساحت مقدس ولی عصر (عج) می‌شود.

بنابراین صبر کردن و عجله نکردن ناشیانه و سفارش دیگران به

صبر در دوران غیبت بسیار ضروری است. که الگو و اسوه این مقام،

علمدار نینوا، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام می‌باشد. و بهترین برنامه

مدون هم سوره **«والعصر»** است.

۱. مکیال المکارم، ص ۴۰۶، ۴۱۵، ۴۱۷، ۲۸۴.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸، برای اطلاع از این مجموعه روایات به مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۸۴ به بعد رجوع کنید.

چنانچه کسی به این مهمّ بار یافت، در دنیا و آخرت سعادت‌مند است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر کس منتظر امر ما باشد و بر آنچه از اذیت و ترس می‌بیند صبر کند، فردا / قیامت / در گروه ما خواهد بود...^۱ و پاداش پنجاه صدّیق از تصدّیق‌کنندگان پیامبر را به او خواهند داد.^۲

۱۱. سقا

خداوند متعال خنک کردن جگرهای تشنه را دوست می‌دارد^۳ لذا این عمل نزد پروردگار ارزشمند^۴ و ثواب فراوانی دارد.^۵ اکنون بگویید کسی به امام یا امام زاده جرعه آبی دهد، چه پاداشی دارد؟ اگر کسی یک «سقاخانه» بسازد ثواب عظیمی دارد. اگر کسی کاری کند که تمام سقاخانه‌های عالم به یاد و نام او باشد، چه رتبه‌ای دارد؟

رتبه و مقامی که سقای دشت کربلا دارد، برتر از آنچه که در اذهان است، می‌باشد. هر کس در این عالم تشنه هر چه باشد و متوسل به باب الحوائج حضرت ابوالفضل علیه السلام شود، با خواست و اراده پروردگار

۱. روضه کافی، ص ۳۷.

۲. کافی، ج ۲، ص ۹۱.

۳. امام باقر علیه السلام: «ان الله يحب ابراد الكبد الحراء»، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۳۰.

۴. امام صادق علیه السلام: «افضل الصدقة ابراد کبد حراء»، همان.

۵. امام صادق علیه السلام: «من سقى الماء فى موضع يوجد فيه الماء كان كمن اعتق رقبة...» هر که در جایی که آب هست مردم را سیراب کند، گویا برده‌ای را آزاد کرده است و هر که در جایی که آب نیست، آب دهد، گویا کسی را زنده ساخته است و کسی که یک نفر را زنده کند، گویا به همه مردم حیات بخشیده است». همان.

متعال، سیراب می‌شود. خواه تشنه آب یا تشنه علم یا تشنه زیارت باشد.

او تشنگان زیارت امام زمان (عج) را نیز به خنکای دیدار سیراب می‌فرماید سفارش شده است که: هرگاه آب گوارا نوشیدید، یاد حسین نمایید.

شیعتی ما إن شربتم عذب ماء فذکرونی

او سمعتم بغریبٍ أو شهیدٍ فاندبونی^۱

شیعیان من! هرگاه آب گوارا نوشیدید، مرا یاد کنید، هرگاه غریب یا شهیدی را شنیدید بر من گریه کنید.

لذا می‌گویند اگر علمی نیز، حاصل کردید، یاد امام حسین باشید زیرا بر اساس آیه شریفه ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾^۲ انسان باید به غذاهای معنوی نیز بیاندیشد و ببیند این علم را از چه کسی فرا می‌گیرد بر این اساس اگر کسی تشنه زیارت امام زمان - که ماء عذب است - را داشته باشد با توسل به حضرت عباس علیه السلام به خنکای دیدار می‌رسد.

امام، آب گوارا برای تشنگان عالم است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

الامام الماء العذب علی الظماء^۳

۱. الخصائص الحسينية، شوشتری، ص ۹۹، فرهنگ ایشار، جواد محدثی، ص ۲۲۹.

۲. عبس، ۲۴.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۰۰؛ تحف العقول، ص ۳۲۵.

امام آب شیرین در وقت تشنگی است.

انسان تا تشنه نباشد و احساس تشنگی نکند، شیرینی و گوارایی آب را نمی‌تواند حس کند، اگر کسی عطش زیارت امام را داشته باشد، می‌تواند به واسطه ساقی لب تشنگان، آب شیرین را چشیده یا بنوشد.

آری امام علیه السلام «آب عذب» و «آب معین» است امام موسی بن جعفر علیه السلام در تأویل آیه شریفه ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾^۱ فرمود:

«إِذَا غَابَ عَنْكُمْ إِمَامُكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ جَدِيدٍ»^۲

زمانی که امام شما غایب شد چه کسی امام را برای شما می‌آورد؟ / از پس پرده غیبت خارج می‌سازد /

امام هفتم علیه السلام در تأویل همین آیه شریفه در روایت دیگری فرمودند:

«هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ يَقُولُ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ»^۳

این آیه درباره قائم علیه السلام نازل شده است که خداوند متعال می‌فرماید: اگر امام شما غایب شد و ندانستید امام کجاست، چه کسی امام را

۱. ملک، ۳۰. «بگو اگر آب شما، فرو رود، چه کسی آب روان به شما می‌دهد»

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰ باب فی الغیبة؛ غیبت نعمانی، ص ۱۷۶؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۳.

۳. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۲۵؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۲.

برای شما ظاهر می‌کند؟

گفتنی است: دیدن زیارت امام زمان علیه السلام یکی از توفیقات بزرگ و ارزشمند است. ولی باید توجه داشت، آنچه مهم‌تر است، این است که، اعمال ما مورد رضایت او علیه السلام باشد. و او علیه السلام از ما راضی باشد. و بدانیم اگر ما او را نمی‌بینیم، او ما را می‌بیند. و همین مقدار ما را بس است. و چنانچه ما، او علیه السلام را نمی‌بینیم، حتماً مصلحت دارد. چه بسا در طول تاریخ افرادی، از نزدیک امام معصوم علیه السلام را می‌دیدند، ولی معرفت حقیقی نسبت به امام نداشته و باعث ناراحتی امام می‌شدند. و از سوی دیگر افرادی فرسنگ‌ها با امام علیه السلام فاصله داشتند، ولی مطیع و خود را در محضر او می‌دانستند.

بنابراین، وقتی در این عالم، آب گوارا و سقا مهیاست، تنها وظیفه ما احساس «عطش» است.

آب کم جو، تشنگی آور به دست تا بجوشد آب زبالا و پست

در این صورت چنانچه کسی متوسل به ساقی لب تشنگان شد، او نیز جام وجودش را از معرفت و حلاوت پیوند با امام مهدی علیه السلام لبریز می‌سازد.

ب. رجز

اشعار، شعارها و رجزهای هر شخصی، برگرفته از شعور، افکار و امیال اوست. رجز مکنونات قلبی را به منصه ظهور می‌گذارد. از این رو رجزهای حضرت عباس علیه السلام را یک بار دیگر مرور می‌کنیم تا رهیافت و درسی برای این عصر و زمان باشد.

حضرت عباس علیه السلام به هنگام حمله برای آب آوردن چنین رجز می‌خواند:
 نَفْسِي لِسَبْطِ الْمُصْطَفَى الطَّهْرِ وَقَاءِ اِنِّي اَنَا الْعَبَّاسُ اَعْدُوِّ السَّقَاءِ^۱
 جان من فدای فرزند پاک مصطفی باد. منم عباس که با مشک برای سیراب کردن تشنگان می‌آیم.

عاشقان امام زمان علیه السلام در دعای ندبه چند بار «بنفسی انت»؛ جانم فدایت را می‌گویند، اما آیا مانند عباس علیه السلام برای امام زمانشان هستند؟
 قمر بنی هاشم علیه السلام بعد از خارج شدن از شریعه فرات فرمود:
 هذا الحسين وارِدَ المنونِ و تشریبین بارِدَ المعین^۲

اینک حسین در آستانه شهادت قرار گرفته و تو آب خنک و گوارا می‌نوشی؟!
 با توجه به این فرمایش، یاوران امام مهدی علیه السلام در این برهه از زمان چه باید بگویند؟ و مهدی زیستی چگونه باید باشد؟ امام زمانی که در زندان غیبت^۳ به سر می‌برد، آیا من باید سرگرم دنیای خویش باشم؟!

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰.

۲. ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳. ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت، در ضمن بیان شباهتهای حضرت مهدی علیه السلام با برخی از انبیای گذشته فرمود: «فی صاحبِ هذا الامر... سنّة من یوسف... واما من یوسف فالسجن والغیبة» کمال الدین، باب ۳۲، ح ۱۱.

هیئات؛ هرگز

هنگامی که دست راست او در راه یاری امام زمانش علیه السلام قطع گردید، فرمود:

وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمُو يَمِينِي
وَ عَنِ إِمَامٍ صَادِقٍ الْيَقِينِ
إِنِّي أَحَامِي أَبْدًا عَنْ دِينِي
نَجْلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ^۱

به خدا سوگند، گرچه دست راست مرا قطع کردید، ولی من تا آنجا که زنده هستم، از آئین خود و از امام و پیشوایم که در ایمان خود صادق و فرزند پیامبر پاک و امین است، دفاع خواهم نمود.

مقرم در این خصوص می نویسد: وقتی دست راست عباس را قطع کردند

فَلَمْ يَغْبَأْ بِيَمِينِهِ بَعْدَ أَنْ كَانَ هَمُّهُ إِضَالُ الْمَاءِ إِلَى أَطْفَالِ

الْحُسَيْنِ عليه السلام؛ او به قطع شدن دستش توجهی نکرد و قصدش

این بود که هر چه زودتر آب را به اهل بیت و کودکان امام حسین

برساند.^۲

اگر ما در راه یاری امام عصر علیه السلام دچار زحمت و سختی شویم، آیا

جانانه، کار و فعالیت را دنبال می‌کنیم؟

فَجَادَ بِالْيَمِينِ وَالشُّمَالِ
لِنُصْرَةِ الدِّينِ وَ حِفْظِ الْآلِ^۳

پس دست راست و چپش را / در راه خدا / بخشید، تا که دین یاری شود و خاندان رسالت

حفظ گردد.

چقدر از زندگی ما وقف یاری رساندن به امام زمانمان علیه السلام است؟ و

تا چه اندازه حاضریم، او را یاری کنیم؟ هر کس خوب فکر کند و خود

۱. ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲. مقتل مقرم، ص ۲۶۹.

۳. سردار کربلا، ص ۲۱۲.

را محک بزند؟

الْمَوْتُ تَحْتَ ضَبَابِ السَّيْفِ مَكْرَمَةٌ إِنَّ كَانَ مِنْ بَعْدِهِ إِسْكَانٌ جَنَاتٍ
لَا تَأْسِفَنَّ عَلَى الدُّنْيَا وَلَذَّتْهَا فَعِنْدَ جَدِّي تُفَقَّرُ كُلُّ زَلَّاتٍ

مرگ در پرتو شمشیر، مایه بزرگواری و عظمت است، هرگاه پس از آن موجب سکونت در بهشت گردد.

برای دنیا و لذت‌های آن هرگز غصه و افسوس مخور، و بدان که تنها در پیشگاه جد من، همه لغزش‌ها آمرزیده خواهد شد.^۱

اگر ما چشم به شفاعت این خاندان داریم! باید برای آن روز سرمایه گذاری و سپرده گذاری نماییم. و هیچ سرمایه‌ای بهتر از یاری ولی عصر علیه السلام نیست. از این رجز می‌آموزیم که از دنیا و لذت‌های زودگذر آن چشم بپوشیم و جان خود را در راه امام زمان علیه السلام به سختی بیاندازیم.

و هنگامی که با تیغ بران دشمنان امام زمانش را پراکنده می‌ساخت، فرمود:

أَذْبُ عَنْ سَبَطِ النَّبِيِّ أَحْمَدَ أَضْرِبُكُمْ بِالصَّارِمِ الْمُهَنْدِ

از حریم سبط پیامبر اسلام حضرت احمد علیه السلام حمایت می‌کنم، و با شمشیر استوار و بران شما را سرکوب می‌نمایم.

امروز، دشمنان شیعه از هر سو و به هر طریق، امامت و ولایت را مورد حمله قرار می‌دهند. صهیونیسم جهانخوار با حربه‌های فیلم، اینترنت و... مهدویت را مورد آماج حمله‌های خود قرار داده است. و

این مسئله می‌طلبد که هر کس، به هر طریقی از کیان شیعه، خصوصاً مهدویت دفاع کند. هر کسی در هر پستی با بذل وقت، توان و... باید مانند حضرت عباس علیه السلام به یاری امام زمان علیه السلام شتافته و اکتفاء به کم ننماید. خلاصه آنکه روح رجزهای حضرت عباس علیه السلام چهار مطلب مهم است که عبارتند از: فدایی، حامی، ساعی و مواسی

۱. فدایی

قمر بنی‌هاشم علیه السلام فدایی مولای خویش بود، او در روز «ترویبه»؛ هشتم ذیحجه الحرام در مقابل سیل دشمنان امام زمانش علیه السلام که برای کشتن امام در کنار کعبه گرد هم آمده بودند سینه را سپر کرد و فدایی بودن خود را منصفه ظهور گذاشت.^۱ هر آنچه داشت، حتی دو فرزند دلبنده خویش را تقدیم امام زمانش علیه السلام^۲ و فدای دین کرد. لذا در زیارت ناحیه مقدسه از زبان امام هادی علیه السلام چنین می‌خوانیم.

الْفَادِي لَه؛ آنکه خود را فداکارانه فدای برادر نمود.^۳

امام زمان علیه السلام هم فدایی می‌خواهد. کسی را می‌خواهد که حاضر باشد، همه هستی‌اش را فدای او علیه السلام کند.

۱. ر.ک: خطیب کعبه، ص ۲۸۹. این کتاب متن خطبه حضرت ابوالفضل علیه السلام است که توسط مهندس علی اصغر یونسیان، شرح داده شده است.

۲. علامه سید محسن امین دو پسر حضرت ابوالفضل علیه السلام (محمد، عبداللّه) را در شمار شهیدان کربلا ذکر کرده است. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۱۰ و محدث کبیر، ابن شهر آشوب، یک پسر حضرت عباس علیه السلام (محمد) را جزء شهدای کربلا شمرده است. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۲، نقل از پرچمدار نینوا، ص ۷۷.

۳. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۷۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۶.

۲. حامی

تندیس نهایتِ حمایت، باب الحوائج، قمر بنی هاشم علیه السلام است، حمایت او از امام زمانش علیه السلام بسیار روشن و تابناک در رجزهای او پیدا است. لذا در زیارت روز عرفه عرضه می‌داریم

فَنِعْمَ الْاِخُ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ^۱

شما برادری نیکو و با صبر و شکیبا بودی که مجاهده و حمایت و

یاری و دفاع از برادرت نمودی

اکنون بیاندیشیم، چند درصد از وقت و زندگی ما در راه حمایت از امام زمان علیه السلام صرف می‌شود.

۳. ساعی

نماد نهایتِ تلاش برای اهداف امام حسین علیه السلام؛ دلاور نینوا حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است و رجزهای او علیه السلام گویای این حقیقت است که لحظه‌ای بی تفاوت، بهانه جو، فرار از میدان کار و عمل سپری نکرد. اگر دست در بدن ندارد، از حرکت نمی‌ایستد، لذا امام هادی علیه السلام در تعریف از مقام عباس می‌فرماید:

السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ^۲؛ آنکه تلاش بسیار برای آب رسانی به

سوی لب تشنگان نمود.

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام در روز عرفه.

۲. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۷۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۶.

اگر آن روز، خواست امام حسین علیه السلام رساندن آب به خيام بود. عباس علیه السلام تلاش وافری نمود. امروز خواست امام زمان علیه السلام رساندن معارف ناب اسلامی و حقایق مهدوی به تشنگان عالم است. لذا چگونه باید تلاش نمود؟

۴. مواسی

مواسی از مواسات به معنای کمک، یاری و همدردی است. و در اصل به معنی بریدن می‌آید. در نتیجه به معنی شدت دل‌بستگی و همبستگی است قمر بنی‌هاشم علیه السلام از همه دنیا بریده، و پیوند با برادرش و امام زمانش سالار شهیدان علیه السلام داشت و عارفانه و عاشقانه در خدمت مولایش بود. لذا امام هادی علیه السلام این گونه سلام می‌فرستد:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْمُوَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ؛

سلام بر ابوالفضل العباس پسر امیر مؤمنان، آنکه با کمال مواسات، جانش را نثار برادرش

حسین علیه السلام کرد.

و در زیارت روز عرفه عرضه می‌داریم:

فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوَاسِي؛ نیکو برادری در فداکاری بودی.

و در زیارت عید فطر و عید قربان عرضه می‌داریم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ وَالصَّدِيقُ الْمُوَاسِي أَشْهَدُ... وَأَسَيْتَ بِنَفْسِكَ؛

درود بر شما، ای بنده شایسته و صادق فداکار، شهادت می‌دهم که شما با تمام وجودت

فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را همدردی نمودی.

و چه زیبا سروده است:

وَجَادَلَهُ عَلَىٰ عَطِشٍ بِمَاءٍ

وَمَنْ وَاَسَاهُ لَأُتِينِيهِ شَيْءٌ

با حسین علیه السلام مواسات نمود و هیچ چیزی او را از مواسات با برادر منصرف نکرد و در حال

شدت تشنگی به آب رسید ولی آب ننوشید.

فصل سوم

تشریفها

امام زمان علیه السلام در حرم حضرت عباس علیه السلام

امام مهدی علیه السلام به جهت قدردانی و وفا نسبت به رشادتهای حضرت عباس علیه السلام به این بارگاه ملکوتی تشریف می آورند، نمونه زیر گویای این واقعیت می باشد:

فقیه فرزانه آیت الله حاج سید مرتضی لنگروی فرمود: در حرم مطهر حضرت قمر بنی هاشم علیه السلام مشغول زیارت بودم، ناگهان دیدم شخصی پشت سر من مشغول زیارت و خطاب به حضرت می فرماید: «یا عمّی!» و مطالبی را با فصاحت و بلاغت بیان می کند. من از بس برایم این مطلب جالب و جذاب بود دست از زیارت برداشتم تا بینم این بزرگوار چه می گوید. همچنان مات و مبهوت شده بودم ولی کلمات دلربای ایشان را همچنان می شنیدم و ایشان گریه می کرد و با حضرت در حال صحبت بود. ولی یک مرتبه از نظرم غایب شد.^۱

امام مهدی علیه السلام به اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه، عنایت فراوانی دارد. یکی از سرزمین هایی که مورد علاقه آقا بقیه الله روحی فداه است کربلا، و بارگاه ملکوتی سالار شهیدان علیه السلام و برادر بزرگوارش

۱. چهره درخشان قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس، ج ۳، ص ۳۰۷؛ میرمهر: ص ۱۱۱.

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است، بنابراین، زائران محترم، توجه داشته باشند، با مشرف شدن به این مکان گرامی دو وظیفه مهم دارند:

۱. زیارت به نیابت از امام عصر علیه السلام که نشان دهنده معرفت زائر و مورد توجه قرار گرفتن او از سوی زیارت شونده و ملائکه است. ۲. دعا برای تعجیل در فرج آقا امام زمان علیه السلام که بسیار مهم و با ارزش است. قطعاً، امام زمان علیه السلام محتاج نیابت و دعای ما نیست، بلکه ما محتاج عنایت او علیه السلام هستیم. و این اعمال سبب جلب عنایت او علیه السلام خواهد شد.

امام زمان علیه السلام در مجلس روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام

از مجالسی که مورد عنایت امام زمان علیه السلام بوده و می باشد، مجالسی است که خالصانه برای عزا و ماتم حضرت ابوالفضل علیه السلام برقرار می باشد لذا، برپا کنندگان محترم و عزیزان شرکت کننده، توجه بیشتری نمایند، تا بهره های بیشتری ببرند. نمونه زیرگویای این واقعیت است:

□ قبل از مسافرت به مکه در حرم مطهر امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام از درگاه خداوند خواستم که در این سفر حج، عنایت امام زمان نصیبم شود. زیرا شنیده بودم که عده ای از عاشقان آن حضرت در سفر مکه، خدمت آن بزرگوار رسیده اند، لذا از ابتدای سفر به یاد امام زمان علیه السلام بودم.

فصل سوم: تشریفها □ ۱۰۱

مدت یک هفته در مدینه منوره اقامت داشتیم و همواره دنبال حضرت می‌گشتم در مسجد النبی صلی الله علیه و آله، در روضه منوره، کنار منبر، محراب، مأذنه، نزدیک ستون توبه، جایگاه اصحاب صفه، محراب تهجد پیامبر، کنار درب خانه حضرت زهرا علیها السلام و در بین سیل جمعیت، در قبرستان بقیع؛ کنار قبور مظلوم چهار امام غریب و در بین زائرین مدینه دنبال کسی می‌گشتم که نشانیهای او را داشته باشد. ایام توقف ما در مدینه سپری شد و با چشم گریان و قلب سوزان، با کوله باری از غم و غصه و خاطره، از پیامبر صلی الله علیه و آله و دخترگرامیش و ائمه بقیع علیهم السلام خدا حافظی نمودیم.

در مکه نیز در حین انجام اعمال عمره تمتع، در مطاف، پشت مقام حضرت ابراهیم، در زمزم، در سعی صفا و مروه، به یاد حضرت بودم. چند روز بین اعمال عمره تمتع و حج تمتع نیز در جای جای مسجد الحرام خاطره حضرت در ذهنم بود، گاهی اوقات به عاشقان دلسوخته امام زمان علیه السلام برخورد می‌نمودم که به او متوسل شده و در هجران او می‌سوزند، گاهی نیز با خود زمزمه می‌کردم:

از جهان دل بتو بستم بخدا مهدی جان طالب وصل تو هستم بخدا مهدی جان
هر کجا یاد تو و ذکر تو و نام تو بود بی تأمل بنشستم بخدا مهدی جان
اعمال حج تمتع شروع شد به صحرای عرفات رفتیم، شب عرفه گذشت، روز عرفه در جبل الرحمة، در بین چادرها و در بین دعای عرفه امام حسین علیه السلام بیاد آن یوسف گمگشته بودم، غروب روز عرفه

پس از نماز مغرب و عشاء سرزمینی را که مطمئن بودم حضرت در آنجا بین جمعیت بوده‌اند بطرف مشعر الحرام پشت سر نهادیم، روز دهم ذیحجه در منی اعمال روز عید قربان را انجام دادیم. هوا در سرزمین منی بسیار گرم و ما در زیر چادرها بسر می‌بردیم، عصرها بقدری هوا گرم بود که امکان استراحت و خوابیدن نبود.

عصر روز یازدهم همانطور که مردها چند نفر چند نفر در چادر دور هم جمع شده بودیم و از هر دری سخن می‌گفتیم و عده‌ای نیز در حال بیداری دراز کشیده بودند بدون اینکه از قبل برنامه ریزی خاصی شده باشد روحانی کاروان شروع کرد به زمزمه کردن اشعاری در مورد امام زمان علیه السلام در نتیجه همگی نشستند و شروع به گوش کردن کردیم ناخودآگاه مجلسی برقرار شد و بعد هم مدّاح کاروان توسّلی به حضرت نمود، حال خوشی در مجلس پیدا شده بود، سپس یکی از برادران اشعاری را خطاب به آن حضرت در رابطه با سفر حجّ خواند که دو بیت آن چنین بود:

ای حریم کعبه مُحرم بر طواف کوی تو من به گرد کعبه می‌گردم بیاد روی تو
گرچه بر مُحرم بود بونیدن گلها حرام زنده‌ام من ای گل زهرا زفیض بوی تو
و در ضمن خواندن اشعار خطاب به حضرت می‌گفت: آقا جان در این سرزمین خیمه‌ها و چادرها زیادند و ما نمی‌توانیم همه آنها را یک به یک بگردیم تا خیمه شما را پیدا نمائیم. اما شما می‌دانید خیمه و چادر کاروان ما کجاست، شما به ما عنایتی بفرمایید، شما بما سر

بزنید، همه افراد گریه می‌کردند و اشک می‌ریختند، بعد هم یکی از برادران دیگر توسّلی به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام پیدا نمود و گفت: آقا شما به روضه عمویتان خیلی علاقه دارید و خودتان سفارش به خواندن این روضه کرده‌اید، همینطور که ایشان روضه می‌خواند و همگی با حال منقلب اشک می‌ریختند و منم گریه می‌کردم، سرم را بلند کردم دیدم آقای با لباس سفید عربی و به هیئت عربها در داخل چادر جلو درب روی دو زانو بطور سرپا نشسته‌اند، روی سر ایشان دستمالی بود که آن هم سفید رنگ بود و طوری قرار گرفته بود که قسمت زیادی از پیشانی ایشان را هم پوشانده بود. من در چادر جایی نشسته بودم که تنها سمت چپ صورت و محاسن ایشان را می‌دیدم که حالت گندمگون داشت چندثانیه‌ای ایشان را نگاه کردم، آقای بودند تنومند و با وقار که شاید حدود چهل و چند ساله بنظر می‌رسید. سپس جلو درب چادر را نگاه کردم دیدم دو نفر جوان که سن آنها تقریباً زیر بیست سال بود با لباس سفید بلند عربی درست جلو قسمت ورودی چادر ایستاده‌اند و حدود یکی دو متر پشت سر آقا بودند.

در آن لحظه چنین تصور نمودم که اینها عربهایی هستند که از جلو چادر ما عبور می‌کرده‌اند صدای روضه را شنیده لذا داخل چادر آمده‌اند تا به روضه گوش دهند. مجدداً سرم را پایین انداخته و اشک می‌ریختم دقیقاً نمی‌دانم چقدر طول کشید ولی مطمئن هستم که

مدّت زیادی نگذشت مجدداً سرم را بلند کردم دیدم از آقا و جوانها خبری نیست ولی در آن زمان چنان تصرفی در ذهنم ایجاد شده بود که تنها درباره آنها چنین فکر می‌کردم که اینها عرب بوده و برای گوش کردن به روضه به مجلس آمده‌اند. حتی پس از پایان این مجلس بسیار با معنویت اصلاً به ذهنم خطور نکرد که در این مورد با دیگر اعضاء کاروان صحبتی نمایم، روز بعد شنیدم که یکی دو نفر از افراد کاروان راجع به آقایی که به مجلس آمده بود صحبت می‌کردند، از آنها پرسیدم شما چگونه آمدن و رفتن آن آقا را متوجه شدید، گفتند: نه ما فقط دیده‌ایم ایشان جلو درب چادر نشسته‌اند.

آن وقت به خود آمدم و کمی در مورد جریان‌ی که اتفاق افتاده بود فکر کردم و به تصور خودم در مورد این واقعه تأمل نمودم. بخود گفتم اگر اینها عرب بودند چگونه به روضه‌ای که به زبان فارسی خوانده می‌شد گوش می‌دادند؟! چرا در زمانیکه همگی در عزای حضرت ابوالفضل علیه السلام گریه می‌کردند ایشان تشریف آورده بودند؟! صدای روضه آنقدر بلند نبود که به بیرون چادر برود تا کسی با شنیدن صدای روضه داخل شود!! چطور کسی دقیقاً متوجه چگونگی آمدن و رفتن آنها نشده بود!! چطور در اثر تصرفی که در ذهن من ایجاد شده بود به این تصورم که اینها عرب هستند و به روضه فارسی گوش می‌دهند شک نکرده‌ام!!

همه این سؤالاتی که اکنون در ذهنم ایجاد شده بود مرا امیدوار ساخت که ایشان خود حضرت یعنی امام زمان علیه السلام بوده‌اند و تأسّف

خوردم که چرا در همان لحظه حضرت را نشناخته‌ام.^۱
قطعاً مجالسی که مخلصانه برای قمر بنی هاشم علیهم‌السلام برگزار می‌شود،
مورد تأیید و عنایت امام مهدی علیه‌السلام است. بنابراین بسیار لازم و
ضروری است که در این مجالس، از صاحب اصلی مجلس، امام
زمان علیه‌السلام، غافل نبوده و در مناسب‌ترین وقت برای دعا، برای وجود
نازنین یوسف زهرا علیها‌السلام دعا شود، زیرا تمام خیرها و خوبی‌ها به
واسطه ایشان به ما می‌رسد.

ما بی تو تا دنیاست دنیایی نداریم چون سنگ خاموشیم و غوغایی نداریم
تو آبروی خاکی و حیثیت آب دریا تویی، ما جز تو دریایی نداریم^۲

سفارش امام زمان علیه‌السلام به توسل به حضرت ابوالفضل علیه‌السلام

یکی از امتیازات شیعه و افتخارات این مذهب بر اساس آیه شریفه
﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾^۳ توسل به ابرومندان درگاه الهی است.
در این میان، مقام حضرت ابوالفضل به جهت «باب الحوائج»
بودن، جایگاه مهمی است. لذا امام زمان علیه‌السلام علاوه بر سفارش توسل
به قمر بنی هاشم علیه‌السلام راه آن را نیز تعلیم دادند.
آیت الله العظمی مرعشی می‌فرمودند:

یکی از علمای نجف اشرف، که مدتی به قم آمده بود برای من

۱. امام زمان در مکه و مدینه، ص ۱۵۸-۱۵۵.

۲. سلمان حیاتی.

۳. مائده، ۳۵.

چنین نقل کرد که من مشکلی داشتم به مسجد جمکران رفتم و درد دل خود را به محضر حضرت بقیة الله حجة بن الحسن العسکری امام زمان علیه السلام عرضه داشتم و از وی خواستم که نزد خدا شفاعت کند تا مشکلم حل شود.

برای این منظور مکرر به مسجد جمکران رفتم ولی نتیجه‌ای ندیدم. روزی هنگام نماز دلم شکست و عرض کردم مولا جان! آیا جایز است که در محضر شما و در منزل شما باشم و به دیگری متوسل شوم؟ شما امام من می‌باشید، آیا زشت نیست با وجود امام حتی به علمدار کربلا قمر بنی هاشم علیه السلام متوسل شوم و او را نزد خدا شفیع قرار دهم؟! از شدت تأثر بین خواب و بیداری قرار گرفته بودم. ناگهان با چهره نورانی قطب عالم امکان حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام مواجه شدم. بدون تأمل به حضرتش سلام عرض کردم. حضرت با محبت و بزرگواری جوابم را دادند و فرمودند: نه تنها زشت نیست و نه تنها ناراحت نمی‌شوم به علمدار کربلا متوسل شوی بلکه شما را راهنمایی هم می‌کنم که به حضرتش چه بگویید. چون خواستی از حضرت ابوالفضل حاجت بخواهی این چنین بگو:

«یا ابا الغوث ادرکنی ای اقا پناهم بده»^۱

توسل به حضرت ابوالفضل علیه السلام در مسجد مقدس جمکران

۱. چهره درخشان قمر بنی هاشم - ج ۱، ص ۴۱۹، توجهات ولی عصر به علما و مراجع، ص

در عهد زعامت مرحوم آیت الله حاج سید محمد حجّت کوهکمری قحطی و گرانی سختی پدید آمد، آن مرحوم چهل نفر از طلاب مهذب و متدین را دستور داد که به مسجد جمکران مشرف شوند و در پشت بام مسجد به صورت دسته جمعی زیارت عاشورا را با صد سلام و صد لعن و دعای علقمه بخوانند، آنگاه به حضرت موسی بن جعفر، حضرت ابوالفضل و حضرت علی اصغر علیهم السلام متوسل شوند، رفع گرانی و نزول باران را از خداوند بخواهند.

چهل تن از طلاب فاضل و متدین به امر مرجعیت اعلی تشیع به میعادگاه عاشقان شرفیاب شدند، زیارت عاشورا را طبق دستور آن مرجع آگاه انجام دادند، مسجد جمکران را به قصد قم ترک کردند. هنوز به ده جمکران نرسیده بودند که باران رحمت سیل آسا فرو ریخت و طلاب ناچار شدند که لباسهای خود را در آوردند، کفشهای خود را به دست بگیرند و از میان سیلابها عبور کنند.^۱

ارزش متوسلین به حضرت ابوالفضل علیه السلام نزد امام زمان علیه السلام

مداح عاشق و دل سوخته اهل بیت آقای حاج منصور ارضی می گوید: عالم محترمی امام زمان علیه السلام را در خواب می بیند که در محضر مبارکشان جناب قمر بنی هاشم علیه السلام نیز ایستاده اند.

۱. استاد محترم جناب آقای مهدی پور در کتاب گرانسنگ و ارزشمند «کریمه اهل بیت»، ص ۲۰۱ این داستان را به نقل از شاهدان عینی آورده است.

آقا حجة بن الحسن علیه السلام دو دسته نامه در محضرشان بوده آن جناب یک دسته از نامه‌ها را می‌بوسید و زمین می‌گذاشت و دسته دوم را برچشمان مبارکشان گذاشته و گریه می‌کردند سپس به زمین می‌گذاشتند. شخص عالم سؤال می‌کند، یا بن رسول الله، حکمت این که چنین عمل می‌نمائید چیست؟

امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: نامه هایی که فقط می‌بوسم و زمین می‌گذارم نامه هایی است که ارباب حوایج به امام زادگان نوشته‌اند، اما نامه‌های دسته دوم را حاجت مندان به حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام نوشته‌اند. عمویم این جا ایستاده‌اند و می‌خواهند کسانی که حاجت دارند و به او متوسل شده‌اند، آنها را رد نکنم.^۱

دیدار با امام زمان علیه السلام در مجلس روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام

□ عالمی، امام زمان علیه السلام را در عالم مکاشفه زیارت نموده و شیفته جمال دلربای حضرت علیه السلام می‌شود، ایشان به حضرت عرضه می‌دارند: یا ابا صالح، نسخه‌ای به ما بدهید تا هر زمانی، دلمان برای جمال زیبا و نورانی شما تنگ شد، توسط آن به مرادمان برسیم و ما بتوانیم شما را زیارت کنیم.

امام زمان علیه السلام فرمودند:

هر وقت شما برای ما دل‌تنگ شدید و خواستید ما را زیارت

۱. چهره درخشان قمر بنی هاشم، ج ۳، ص ۴۵۶.

کنید، به مجلس عموی ما ابوالفضل قمر بنی هاشم علیه السلام پناه
ببرید.^۱

البته باید مطلبی نیز به عنوان شکوه یادآور شوم. که متأسفانه برخی
از مداحان، به این مسئله خیلی دامن می‌زنند و می‌گویند: «امام
زمان علیه السلام حتماً در این مجلس شرکت دارند و...» لذا بسیار مناسب
است که اصل این مسئله به طور کلی گفته شود. ولی از ذکر آن در
خصوص هر مجلسی، پرهیز شود.

□ در سال ۱۳۶۳ به مکه معظمه مشرف بودم، روحانی کاروان که
مرد خوبی بود سه شب قبل از آنکه به عرفات برویم در عالم رؤیا
حضرت ولی عصر علیه السلام را دیده بود و آن حضرت به او فرموده بودند که
در روز عرفه روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام را بخوان که من هم می‌آیم.
ضمناً زن فلجی هم در کاروان ما بود که اعمال عمره تمتعش را با
زحمت انجام داده بود، یعنی سعی صفا و مروه را با چرخ انجام
می‌داد و بقیه مجبور بودند زیر بغل‌هایش را بگیرند تا او اعمالش را
انجام دهد. از طرف دیگر زن دائی من که در همان کاروان بود و
فرزندش به نام سعید در جبهه شهید شده بود شب عرفه در خواب
می‌بیند که سعید آمده و می‌گوید: حال من خوب است و من کشته
نشده‌ام. این مادر وقتی از خواب بیدار می‌شود، عکس فرزندش را که
همراهش بوده بیرون می‌آورد و می‌بوسد و گریه زیادی می‌کند.

۱. چهره درخشان قمر بنی هاشم...، ج ۴، ص ۳۶۱.

آن زن افلیج از زن دائی من سؤال می‌کند جریان چیست و این عکس از کیست؟ او جریان شهادت فرزندش سعید را برای آن زن افلیج نقل می‌کند و عکس پسرش را به او نشان می‌دهد، زن افلیج عکس سعید را می‌گیرد و مثل کسی که با شخص زنده حرف می‌زند و به او خطاب می‌کند و اشک می‌ریزد و می‌گوید: تو امروز که روز عرفه است باید از خدا بخواهی که امام زمان علیه السلام را به کاروان ما بفرستد و مرا شفا دهند.

بعد از ظهر عرفه در بین دعای عرفه روحانی کاروان مشغول روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام شد همه اهل کاروان می‌دیدند که ناگهان مردی بسیار نورانی با لباس احرام در وسط جمعیت نشسته و برای مصائب حضرت ابوالفضل علیه السلام زیاد گریه می‌کند. افراد کاروان کم‌کم می‌خواستند متوجه او شوند، بخصوص بعد از آنکه روحانی کاروان گفت: که من چند شب قبل خواب دیدم که حضرت بقیة الله روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء به من فرمودند که: روز عرفه روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام را بخوان من هم می‌آیم.

آن مرد ناشناس متوجه شد که بعضی به او نگاه می‌کنند. ضمناً جمعی از جمله همان زن افلیج معتقد شده بودند که او حضرت بقیة الله روحی فداه است.

لذا آن حضرت از میان جمعیت حرکت کردند و می‌خواستند از در خیمه بیرون بروند که آن زن افلیج صدا زد آقا، حضرت برگشتند و به

او نگاه کردند و اشاره به پایش کرد یعنی پاهای من فلج است حضرت ولی عصر علیه السلام با اشاره به او فهماندند خوب می شود و از در خیمه بیرون رفتند.

دوست ما می گفت: که این زن همان ساعت کسالتش بر طرف شد و حتی تمام اعمال حجش را از قبیل طواف حج و سعی بین صفا و مروه و طواف نساء را خودش بدون آنکه کسی کمکش کند انجام داد و بحمدالله پس از آن روز دیگر از کسالت فلج در او خبری نبود.^۱

امام زمان علیه السلام در خیمه عزای عباس علیه السلام

سال اولی که به مکه مشرف شدم از خدا خواستم بیست سفر به مکه بیایم تا بلکه امام زمان علیه السلام را هم زیارت کنم. بعد از سفر بیستم نیز، خداوند منت نهاد و سفرهای دیگر هم به زیارت خانه خدا موفق شدم.

ظاهراً سال ۱۳۵۳ بود به عنوان کمکی کاروان از تهران رفته بودم، شب هشتم از مکه آمدم برای عرفات تا مقدمات کار را فراهم کنم که فردا شب وقتی حاجی ها همه باید در عرفات باشند از جهت چادر و وضع منزل نگران نباشند.

شرطه ای آمد و گفت: آقا چرا الآن آمدی؟ کسی نیست.

گفتم: برای این جهت که مقدمات کار را آماده کرده باشم.

گفت: پس امشب باید خواب نروی. گفتم: چرا؟ گفت: به خاطر آن

که ممکن است دزدی بیاید و دستبرد بزند.

۱. ملاقات با امام زمان علیه السلام، ج ۲، ص ۳۱۳.

گفتم: باشد. و بعد از رفتن شرطه، تصمیم گرفتم، شب را نخوابم. برای نافله شب و دعاها وضو گرفته، مشغول نافله شدم.

بعد از نماز شب، حالی پیدا کردم و در همین حال بود که شخصی آمد درب چادر و بعد از سلام وارد شد و نام مرا برد، من از جا بلند شدم پتویی چند لا کرده زیر پای آقا افکندم.

او نشست و فرمود: چایی درست کن گفتم: اتفاقاً تمام اسباب چایی حاضر است ولی چای خشک از مکه نیاورده‌ام و فراموش کرده‌ام.

فرمود: شما آب روی چراغ بگذار تا من چایی بیاورم.

از میان چادر بیرون رفت و من هم آب را روی چراغ گذاشتم: طولی نکشید که برگشت و یک بسته چای در حدود ۸۰ الی ۱۰۰ گرم به دست من داد. چایی را دم کرده پیش رویش گذاردم، خورد و فرمود: خودت هم بخور، من هم خوردم؛ اتفاقاً عطش هم داشتم چایی لذت خوبی برای من داشت.

بعد فرمود: غذا چه داری؟ عرض کردم: نان. فرمود: نان خورش چه داری؟ گفتم: پنیر. فرمود: من پنیر نمی‌خواهم.^۱ عرض کردم: ماست هم از ایران آورده‌ام. فرمود: بیاور. گفتم: این که از خود من نیست مال تمام اهل کاروان است. فرمود: ما سهم خود را می‌خوریم. دو سه لقمه خورد.

در این وقت چهار جوان که موهای پشت لبشان تازه سبز شده بود،

۱. شاید به جهت کراهتی است که برای خوردن پنیر به تنهایی در برخی روایات آورده شده است.

جلوی چادر آمدند، با خود گفتم: نکند اینها دزد باشند. اما دیدم سلام کردند و آن شخص جواب داد. خاطر جمع شد.

سپس نشستند و آن آقا فرمود: شما هم چند لقمه بخورید. آنها هم خوردند.

سپس آقا به آنها فرمود: شما بروید. خدا حافظی کردند و رفتند. ولی خود آقا ماند و در حالی که نگاه به من داشت سه بار فرمود: خوشا به حالت حاج محمد علی. گریه راه گلویم را گرفت. گفتم: از چه جهت؟ فرمود: چون امشب کسی در این بیابان برای بیتوته نمی آید، این شبی است که جدم امام حسین علیه السلام در این بیابان آمده.

بعد فرمود: دلت می خواهد نماز و دعای مخصوص که از جدم هست بخوانی؟ گفتم: آری.

فرمود: برخیز غسل کن و وضو بگیر.

عرض کردم: هوا طوری نیست که من با آب سرد بتوانم غسل کنم. فرمود: من بیرون می روم تو آب را گرم کن و غسل نما. او بیرون رفت، من هم بدون اینکه توجه داشته باشم چه می کنم و این کیست، وسیله غسل را فراهم کرده و غسل نمودم و وضو گرفتم؛ دیدم آقا برگشت. فرمود: حاج محمد علی غسل کردی و وضو ساختی؟ گفتم: بلی.

فرمود: دو رکعت نماز بجا بیاور، بعد از حمد یازده مرتبه سوره «قل هو الله» بخوان و این نماز امام حسین علیه السلام در این مکان است.

بعد از نماز شروع کرد، دعایی خواند که یک ربع الی بیست دقیقه طول کشید ولی هنگام قرائت اشک مانند ناودان از چشم مبارکش جریان داشت. هر جمله دعا را که می خواند در ذهن من می ماند و

حفظم می شد. دیدم دعای خوبی است مضامین عالی دارد و من با اینکه دعا زیاد می خواندم و با کتب دعا آشنا بودم به مانند این دعا برخورد نکرده بودم لهذا در فکرم خطور کرد و تصمیم گرفتم فردا برای روحانی کاروان بگویم بنویسد؛ لیکن تا این فکر در ذهنم آمد آقا از فکر من خبر دار شد برگشت و فرمود: این خیال را از دل بیرون کن؛ زیرا این دعا در هیچ کتابی نوشته نشده و مخصوص امام علیه السلام است و از یاد تو می رود.

بعد از تمام شدن دعا نشستم و عرض کردم: آقا آیا توحید من خوب است که می گویم: این درخت و گیاه و زمین و همه اینها را خدا آفریده؟

فرمود: خوب است و بیشتر از این از تو انتظار نمی رود.

عرض کردم: آیا من دوست اهل بیت هستم؟ فرمود: آری و تا آخر هم هستید و اگر آخر کار شیطانها فریب دهند آل محمد به فریاد می رسند. عرض کردم: آیا امام زمان در این بیابان تشریف می آورند؟ فرمود: امام الآن در چادر نشسته. - با این که حضرت به صراحت فرمود، اما من متوجه نشدم - و به ذهنم رسید، که: «یعنی امام در چادر مخصوص به خودش نشسته». بعد گفتم: آیا فردا امام با حاجیها در عرفات می آید؟ فرمود: آری. گفتم: کجاست؟ فرمود: در «جبل الرحمة» است.

عرض کردم: اگر رفقا بروند می بینند؟ فرمود: می بینند ولی نمی شناسند.

گفتم: فردا شب امام در چادرهای حجاج می آید و نظر دارد؟

فرمود: در چادر شما چون فردا شب مصیبت عموم حضرت

ابوالفضل خوانده می شود، امام می آید.

بعداً دو اسکناس صدریالی سعودی به من داد و فرمود: یک عمل عمره برای پدرم به جای بیاور.

گفتم: اسم پدر شما چیست؟ فرمود: حسن.

عرض کردم: اسم شما؟ فرمود: سید مهدی. قبول کردم. آقا بلند شد بروود. او را تا دم چادر بدرقه کردم. حضرت برای معانقه برگشت و با هم معانقه نمودیم و خوب یاد دارم که خال طرف راست صورتش را بوسیدم. سپس مقداری پول خرد سعودی به من داده فرمودند: برگرد. تا برگشتم، دیگر او را ندیدم، این طرف و آن طرف نظر کردم کسی را نیافتم. داخل چادر شدم و مشغول فکر که این شخص کی بود. پس از مدتی فکر، با قرائن زیاد مخصوصاً اینکه نام مرا برد و از نیت من خبر داد و نام پدرش و نام خودش را بیان فرمود، فهمیدم امام زمان علیه السلام بوده است شروع کردم به گریه کردن.

یک وقت متوجه شدم شرطه آمده و می گوید: مگر دزدها سر وقت تو آمدند؟ گفتم: نه. گفت: پس چه شده؟ گفتم: مشغول مناجات با خدایم. به هر حال به یاد آن حضرت تا صبح گریستم و فردا که کاروان آمد، قصه را برای روحانی کاروان گفتم. او هم به مردم گفت: متوجه باشید که این کاروان مورد توجه امام علیه السلام است. تمام مطالب را به روحانی کاروان گفتم، فقط فراموش کردم که بگویم آقا فرموده فردا شب چون در چادر شما مصیبت عمویم خوانده می شود می آیم.

شب شد اهل کاروان جلسه ای تشکیل دادند و ضمناً حالت توسل آن هم به حضرت عباس علیه السلام بود. اینجا بیان امام زمان علیه السلام یادم آمد؛ هرچه نگاه کردم آن حضرت را داخل چادر ندیدم ناراحت شدم و با

خود گفتم: خدایا وعده امام حق است. بی اختیار از مجلس بیرون شدم. درب چادر همان آقا را دیدم. عرض ادب کرده می خواستم اشاره کنم، مردم بیایند، آن حضرت را ببینند، اما آقا اشاره کرد: حرف مزن. به همان حال ایستاده بود تا روضه تمام شد و دیگر حضرت را ندیدم. داخل چادر شده جریان را تعریف نمودم.^۱

امام زمان علیه السلام و طریقه توسل به حضرت عباس

شخصی می گفت: حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می فرمایند: هر کس با این دو بیت شعر متوسل به عمویم قمر بنی هاشم حضرت عباس علیه السلام بشود حتماً حاجتش برآورده خواهد شد، و سپس شروع به خواندن بیت اول کردند و در فاصله بین بیت اول و دوم حدود نیم ساعت با شدت تمام می گریستند، آنگاه بیت دوم را خوانده و باز حدود نیم ساعت شدیداً گریه کردند، آنگاه دو بیتی را روی کاغذ نوشتیم که عبارت بود از:

یادم ز وفای اشجع ناس آید	وز چشم ترم سوده الماس آید
آید به جهان اگر حسین دگری	هیئات برادری چو عباس آید ^۲

حضرت عباس علیه السلام فرمود: بگو یا صاحب الزمان!

حجت الاسلام آقای مکارمی نقل کرده اند که: در یکی از شهرهای

۱. شیفتگان حضرت مهدی (عج)، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲. میرمهر، ص ۱۱۴.

شیراز شخصی همراه عمویش برای ماهی‌گیری به کنار رودخانه می‌رود که یکدفعه غرق می‌شود. عموی وی نگران از مرگ برادرزاده، ناگهان می‌بیند که وی روی آب آمد! و خودش را به ساحل رساند. عمویش از او می‌پرسد: چگونه نجات یافتی؟ می‌گویند: در حال غرق شدن، متوسل به قمر بنی‌هاشم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام شدم. دیدم آن حضرت تشریف آوردند و فرمودند: بگو یا صاحب الزمان من هم متوسل به امام زمان علیه السلام شدم و با عنایت حضرت، نجات یافتم.^۱

این حکایت گویای این واقعیت است که امام مهدی علیه السلام واسطه فیض در این زمان هستند و تمام عنایات معصومین علیهم السلام با عنایت امام عصر علیه السلام صورت می‌پذیرد. همان طوری که امام مهدی علیه السلام به ملاقاسم علی رشتی دعای پر خیر و برکت / یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تُهلِکُنِی / را یاد داد. ولی ملاقاسم علی رشتی وقتی به «ادرکنی» رسید، دست نگه داشت و نوشت!

امام علیه السلام فرمود: چرا نمی‌نویسی؟! عرض کرد: مخاطبین چهار نفر هستند: محمد، علی، فاطمه و صاحب الزمان علیهم السلام. پس «ادرکنی» در اینجا صحیح نیست و باید به صیغه جمع مذكر «ادرکونی» گفته شود. امام علیه السلام فرمود: نه، صحیح است. امر و تصرف با امام زمان است، آنها هم که بخواهند کاری انجام بدهند، باز امر و تصرف با امام زمان است.

۱. چهره درخشان قمر بنی‌هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷۸.

بنویس «ادرکنی ولا تهلکنی»^۱.

امام مهدی علیه السلام و غیرت عباسیة

در صلوات منسوب به حکیم قدوسی، خواجه نصیر طوسی، امام مهدی علیه السلام با ویژگی های پدران بزرگوارش توصیف شده است:
 اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ، علی؛ خدایا! رحمتهای بیایی و درودهای خجسته خویش بر امامی ارزانی بدار که:

صاحب الدعوة النبویة؛ صاحب دعوت محمدی

وَالصَّوْلَةَ الحیدریة؛ و صولت حیدری

وَالعِصْمَةَ الفاطمیة؛ و عصمت فاطمی

وَالحلم الحسنية؛ و حلم حسنی

وَالشجاعة الحسینیة؛ و شجاعت حسینی

وَالعبادة السجادیة؛ و عبادت سجادی

وَالمآثر الباقریة؛ و مفاخر باقری

وَالآثار الجعفریة؛ و آثار جعفری

وَالعلوم الكاظمیة؛ و علوم کاظمی

وَالحُجَجِ الرضویة؛ و حجت های رضوی

وَالجُودِ التَّقویة؛ و بخشش های تقوی

وَالنقاوة النقیة؛ و پاکی نقوی

۱. العبقری الحسان، ج ۲، ص ۸۹؛ میرمهر، ص ۲۹۵.

والهبة العسکریة؛ وهیبت عسکری

والغیبة الالهیة؛ وغیبت الهی است.^۱

حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمدباقر موسوی گلپایگانی، فرزند مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج سید محمدرضا گلپایگانی رحمته، در تاریخ ۷ ذی قعدة الحرام ۱۴۱۴ ق برابر ۲۹ فروردین ۱۳۷۳ ش، از حجت الاسلام رضوانی نماینده شیراز نقل کردند که گفت: من به خواندن صلوات خواجه نصیرالدین طوسی رحمته مداومت داشتم، شبی حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، فرمود: صلوات را بخوان! خواندم، حضرت فرمودند: درست نیست! چند مرتبه دیگر خواندم، ولی پس از اتمام هر یک باز می فرمود: درست نیست! عرض کردم: چرا درست نیست؟! فرمود: بعد از کلمه «والشجاعة الحسینیة» بگویند: «والغیرة العباسیة».^۲

«خاتمه»

۱. دولت حضرت مهدی علیه السلام و رجعت حضرت ابوالفضل علیه السلام

۱. این صلوات دارای چهارده بند است که به عنوان توسل و به طریق ختمات می خوانند.

۲. چهره درخشان قمر بنی هاشم...، ج ۳، ص ۱۷۱.

«رجعت» مسأله‌ای است که زمان آن در ظهور امام زمان علیه السلام فرا می‌رسد و صاحب رجعت، حضرت ولی عصر علیه السلام است.
 امام حسین علیه السلام که در شب عاشورا سخنان و مسائل اساس و بنیادی را برای اصحابش بیان می‌فرمودند، یکی از فرمایشات گهربار ایشان چنین است

«... فَأَبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ، فَوَاللَّهِ إِنَّمَا نَمَكْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى بَعْدَ مَا يَجْرِي عَلَيْنَا، ثُمَّ يُخْرِجُنَا اللَّهُ وَآيَاكُمْ حِينَ يَظْهَرُ قَائِمُنَا فَيَسْتَقِيمُ مِنَ الظَّالِمِينَ، وَ أَنَا وَ أَنْتُمْ نُشَاهِدُهُمْ فِي السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ وَ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَ النَّكَالِ...؛ بشارت باد شما را به بهشت، به خدا قسم که بعد از آنچه بر ما جاری شود، مکث خواهیم کرد آن قدر که خدای تعالی خواسته باشد، پس بیرون می‌آورد ما و شما را در آن هنگامی که قائم ما ظاهر شود، پس انتقام خواهد کشید از ظالمان، و ما و شما مشاهده خواهیم کرد ایشان را در غلها و زنجیرها و گرفتار به انواع عذاب و گرفتاری...»^۱

امام صادق علیه السلام هم می‌فرماید:

«اولین کسانی که به دنیا بر می‌گردند، حسین بن علی علیه السلام و

۱. گزیده کفایة المهتدی، ص ۱۰۵ و ۱۰۶، ح ۱۹.

یارانش و یزید بن معاویه و یارانش هستند که همه آنها را از اول تا آخر می‌گشود» سپس امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكِرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»؛ پس شما را بار دیگر بر آنها مسلط کنیم و با مال و فرزندان یاری رسانیم و تعدادتان را افزون تر کنیم.»^۱

لذا زائرین کوی و بارگاه حضرت ابوالفضل علیه السلام هم در زیارت او علیه السلام عرضه می‌دارند:

جِئْتُكَ يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ اِفِدَا اِلَيْكُمْ وَ قَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ... فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ اِنِّي بِكُمْ وَ بِاِيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِمَنْ خَالَفَكُمْ وَ قَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ؛ ای پسر امیرمؤمنان! من به محضر شما شرفیاب شدم؛ در حالی که دلم تسلیم شما و یاریم آماده برای شما است... من با شمایم، با شمایم، نه با دشمنان شما. من نسبت به شما و بازگشت [رجعت] شما از ایمان آورندگان و نسبت به آنان که شما را کشتند، از کافرانم.»^۲

۲. توسل

۱. اسراء، ۶؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ تفسیر نور المثقلین، ج ۷۳، ص ۱۴۰؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۶.
۲. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۷۳، شیعه و رجعت، ص ۲۱۷.

مهدی صاحب الزمان گفته‌اند	مرا امام انس و جان گفته‌اند
منتقم خون خدا ^۱ مه‌دیم	وارث خون شهدا مه‌دیم
حضرت عباس عموی من است	خون خدا جَدُّ نکوی من است
عموی من کرامت دائم است	عموی من ماه بنی هاشم است
خادم و سقا و علمدار بود	عموی من حسین را یار بود
چشم زیاری امامش نبست	عموی من تا که به تن داشت دست
شسته شده زخون پیشانیش	عموی من صورت نورانیش
تمام ثروتش همان مشک بود	دو چشم او دو چشمه اشک بود
تمام آرزویش بر خاک ریخت	حیف که بند دلش از هم گسیخت
دو دست او جدا ز شمشیر شد ^۲	حیف که چشمش هدف تیر شد

۱. خونِ خدا یعنی: ثارالله.

۲. حاج غلامرضا سازگار.

پروردگارا! به حرمت عباس علیه السلام و ناله‌های مهدی علیه السلام!
قلب مقدس آقا بقیة الله علیه السلام را از ما راضی و خشنود بفرما.
در امر فرج و ظهورش تعجیل بفرما.
همه ما را از یاران او قرار بده.

انتشارات مهر محبوب در جهت شناخت و گسترش فرهنگ مهدویت افتخار
انتشار آثار ذیل را دارد:

۱- نینوا معبر انتظار - صادق سهرابی

۲- با انتظار در خیمه‌اش درائیم - صادق سهرابی

۳- حج ابراهیمی؛ حج مهدوی - مسعود پورسید آقایی

۴- کرانه کرامت (بازکاوی پیوند حضرت عباس و انقلاب حضرت مهدی) -

محمد رضا فوادیان

* * *

بزودی در همین موضوع آثار ذیل توسط این انتشارات منتشر خواهد شد:

۱- تنها راه - محمد باقری

۲- لحظه حضور - مجید قیصری